

خط "امام خمینی" و خط مردم

خط "امام خمینی" و خط مردم ... باید یک نظارتی بکنید، مبادا یک وقت کالایی بپاوردند که مخالف اسلام است، مخالف انقلاب جمهوری اسلامی است."

می بینیم که حتی سخن از این نیست که در چارچوب نظام سرمایه داری موجود، بخش دولتی جای در تجارت داشته باشد. سخن از این است که ما ۵۰ سال پیش اروپا را متذکرمانی که هنوز سرمایه داری صنعتی پدید نیامده بود، همه میدان به تجارت سپرده شود و اینان به بدوی ترین شکل ممکن، برهمنی مردم چیره گردند. سخن بزرگ این است که دولت فقط بر تجارت "یک نظارتی" داشته باشد، آنهم برای اینکه مبادا "کالایی مخالف اسلام و جمهوری اسلامی" بپاوردند! این کالاهای "ممنوعه" کدامند؟ تا امروز روشن شده که نه تبلیغات فریبی، نه کالاهای مصرفی غربی، نه قطعات ماشین آلات مونتاژی، نه محصولات خوراکی و پوشاکی روزبیتی غرب از این زمره نیستند. غرب می تواند از سون خیاطی تا "بیمب اتومی" صادر کند. پس چه می ماند؟ همه از چیزهایی که به کمک آنها تجارت بتواند اسلامی بودن جمهوری را اثبات کند، یعنی: مشروبات الکلی، گوشت خوک، ماهی بی پولک، کنسرو خرنجنگ، کفالت، شنگ و چندقلب دیگری از این دست! "تجار محتتم" خود حاضرند و از آن دلیل بیاورند که "استگسی اقتصاد کشور! در نتیجه ورود همین کالاهای سوده است و لاغیر!"

رهنمود: های آیت الله خمینی در زمینه تجارت خارجی، کلمه به کلمه با اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، که ایشان در آن هیچ چیز خلاف شرعی ندیده بودند و کمتری از "فقهایی" مورد اعتماد و برگزیده ایشان آنرا موا و تایید کردند، متضاد است. در اصل ۴۴ اعلام شد:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، بنا بر اساس برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری و ... است.

در اصل ۴۴ نه تنها کلیه "بازرگانی خارجی" دولتی اعلام شده، بلکه جای بخش خصوصی در مجموع اقتصاد کشور، درست متضاد با آنچه رهبران جمهوری اسلامی می گویند، به روشنی مشخص شده است:

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشتی سازی، دامداری، صنعت، تجارت، خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است."

خط اقتصادی "امام" خمینی علاوه بر بخش تجارت، در دیگر عرصه های بنیادین اقتصاد نیز نقش بخش دولتی را به سود سرمایه داران زمینداران بزرگ، تا سرحد ممکن کاهش می دهد و تا هر اندازه که می تواند، بهر بهره کسان تمام بهیابا می کند. وی می گویند:

"کشاورزی را که دولت نمی تواند بکند، تجارت هم همینطور، صنعت هم همینجور است."

بنابراین، اگر اینطور عمل شود (یعنی دست سرمایه داران و زمینداران بزرگ برای هر چیزی ولی مطلقاً باز باشد)، همه سرمایه هایی که ممکن است نیاروده باشند و از دست می رود در بازار هم دریا نکند... وهم اشخاصی که خیال می کنند جمهوری اسلامی خواهد برای مردم کاری کند (می فهمند که) می خواهد کاری کند، (و هم سرانجام) اشخاصی که در خارج هستند، (غارتگران آریامهری و فراریان از جنگ مردم) و تبلیغات خارجی این بیچاره ها را ترساند، برمی گردند!"

ایشان مدتها پیش از این، هنگامیکه هنوز بحث بر سر "اطلاعات ارضی جریان داشت، به مجلس دستور دادند که: "سایلراطوری مطرح کنید، سایلراطوری رای بسپارید که در شورای نگهبان رد نشود. (۵ بهمن ۶۱). بدینگونه مجلس منع شد که باریگری مویب ای در زمینه اطلاعات ارضی رایب دهد. وی از آماج های بنیادین انقلاب، رسماً با یمال گشت و بزرگ مالکی دیگر بار "متروع" و "قانونی" اعلام شد. ایشان قبل از آن فرمان، فرمان ۸ ماده ای "را صادر کردند، که تکیه گاه جدیدی برای تهاجم کلان تاجران شده و بازخیزی بیشتر از آن تهاجم علیه نیروهای انقلابی را آغاز کرد. نتایج مگر مدتی نمایندگان طبقه کارکنسرو توده های رنجبرو مردم بیباخته را خاموش سازند و آنها را از عرصه بیکار ردر راه آماج های انقلاب بیرون برانند.

مطلب همین خط "امام" خمینی "حکومت به زور برتری به گرفتن زمینهای دهقانان محسروم و انتقال آنها به بزرگ مالکان بازرسیس دادن کارخانه های ملی شده به کلان سرمایه داران، بیرون ریختن مردم بی سکن از ساختمانهای مسافره ای و بازپس دادن این ساختمانها به زمین خواران و غارتگران آریامهری و تا نبود کردن همه حقوق

کارگران و مسلط کردن لگام گسیخته بهره کسان برهمنی آنها مشمول است. این تلاشها با تکیه بر سر نیزه و سرکوب، همچنان شتاب و شدت بیشتری می یابند.

"مردم" یعنی کلان تاجران! آقای خمینی "به طبع جمهوری اسلامی" می دانند که حتماً کلمه "مردم" را در سخنانشان خویش بکنجاندند. ایشان می گویند تا با تکرار و ام این کلمه، "بین سخنان امروز خود و آنچه در گرامر انقلاب بهمن گفتند، در ظاهراً هدف تبدیل ختم و اعتراض توده ها، مشابهتی پدید آورند. اما علیرغم این ظاهراً ایسسی وی در "رهنمود" ما و گفتار خویش، بطور مکرر و روشن می سازد که منظور از "مردم" همان کلان تاجران و خداوندان سرمایه و ثروت است. می گویند: "دولت بدون پشتیبانی مردم نمی تواند کاری انجام دهد و چنین جمعیتی را باید در محنت نگاه داشت." آنگاه به بدرنگی می افزاید: "ایسین نگهداری چنین است که شما با زار نگهدارید، بازار را شریک بگردانید! می گویند: "آزادی مردم نباید دغوغا شود" و نتیجه می گیرند: "کارهایی را که از بازاری آید طوبیوش را نگیرید." این سخنان را ایشان مدتها پیش از این گفته اند. امروز فقط تکرار می شود. از جمله تهاجمی قبل از تهاجم رژیم به حزب توده ایران در دیدار با مجلسیان (۵ مهر ۶۱) گفتند: "دولت همان سیزم مردم را سیر کند" یعنی "هرچه از بازار گرانانسان و چه از دیگر مردمان (!؟) اگر دولت کاری بکنند که اینها را یک وقتی ناراضی کند، مثلاً از حیث اینکسسه مالیات یا از یاد بکنند" یا "جرم برای تاخیر مالیات" تعیین کنند" بازار را در فشار قرار بدهد، بدانند که فاتحه همه خوانده شد! ایشان پیش از آنهم این مطلب را به روشنی گفته بودند.

آن زمان که هنوز انش انقلاب بهمن شعلیه ور بود، خمینی مدام وعده های رنگارنگش را به درخوش سخنان "و با برهنه ها" تکرار می کرد. وی از زمان می گفت: "کارگران ستون انقلابند و شما مالکیت دهقانان دستهای پینه بسته آنهاست، می گفت "این کوخ نشینان بودند که انقلاب کردند" و "کاخ نشینها جز خاکباری نکردند." می گفت: "من خودم از نظم وستم خواناییسین و فکودالها اطلاع دارم که چگونه مردم فقیر را به زور به کار می گرفتند و حکم صادر می کردند؛ این ترشهای بزرگ چطور انباشته شده است؟ من احتمال این را که اینها حقوق شرعی خود را بردارده باشند، حتی در مورد یک ترششان هم نمی هشم. در مواردی اگر تمام مالکین هم گرفته شود، با زیات حقوق شرعی بدهکارند." اما این وعده ها فقط وعده ماند.

هنگامیکه تهاجم علیه آماج های انقلاب بهمن از پرده بردارفتاد، آقای خمینی روشن کردند که اصل منظور از "مردم" همین تاجرو دارندگان سرمایه ها و زمینهای بزرگ است، "استوانسسه انقلاب" همین "طبقه هستند، "سپهاسی پینه بسته" و "اسناد برحق مالکیت" هر دو از آن همین هاست و جمهوری اسلامی برای تامین آزادی و "حقوق مشروع" ایشان است.

"مردم از "آقا" می پرسند که "وعده های شما چه شد؟ چرا دیروز نظوری گفتید و امروز اینطور؟" ایشان با رخس می پرده اعلام کردند: "اگر قبلاً اشتباه کرده باشم با بد صریحاً بگویم اشتباه کردم. عدول در بین فقها از فتوایی به فتوای دیگر، درست همین معنیسار دارند. این معنادار دگم من بگویم چون سبزو ز حرفی زدم باید در وی همان حرف باقی بماند!"

"وحدت کلمه" و "یدوا حده" در برابر مردم آیت الله خمینی، هم در دیدار با موسوی واعضای کابینه وی در چهارم شهریورماه، هم در دیدار هیجدهم مرداد با نخست وزیر و اردبیلی وهم در دیدار با زدهم شهریور با اعضا شورای نگهبان، به موازات جمع بندی مجدد خط اقتصادی خود، "لزوم وحدت کلمه" و "وحدت عمل دسته بندیهای درون هیات حاکمه را در برابر مردم" و "اجانب" جابه جا گزیدند. سیاست خمینی برای متحسد کردن دسته بندیهای هیات حاکمه، بر پایه تا مین منافع تجار و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و "حفاظت از ولایت فقیه"، بخش برجسته و بسیار مهمی" از خط ایشان است. وی به خویشی از مخالفت و مبارزه مردم علیه حکومت آگاه است، از اینرو پیش از پیش دسته بندیهای هیات حاکمه را هشدار می دهد که:

"بایسپه احساس خطر بکنید و برای جمهوری اسلامی وهمه احساس خطر کنید." "امروز اگر خدا نخواست خطایی وارد شود در این جمهوری اسلامی، نمی دانید که با ما چه خواهد کرد." (۱۸ مرداد)، وی خطاب به هیات حاکمه می گویند: "شما همه یک قصد دارید: پس "چه علمای بلاد ایران، چه ائمه سته و جماعات وجه مجلسیان و دولت مردان، اینها همه دسته دسته می دهند و "یدوا حده" برای "حفظ حکومت اسلام" با شند.

ایشان هنگامیکه که بر لزوم "یدوا حده" رژیم تakedمی کسند به ویژه "بمدلح ولایت فقیه، یعنی ارتش و سپاه و دیگر دسته های مسلح را پیش از همه مورد نظر دارند:

رهبری جمهوری اسلامی بخوبی می دانند هنگامیکه مردم علیه آندند، جز بر سر نیزه و سپاه نمی تواند تکیه کند. همچنین می دانند که شرکت ارتش و سپاهیان در زندگی سیاسی کشور، جز با اندیشه های ترقیخواهانه و انقلابی را در میان آنان گسترش می دهد، متابعت کورکورانه را تهدید می کند و می سازد، آیت الله خمینی با توجه به همین "خطرات" می گویند:

"آنکه خیلی خطرناک است آن است که اختلاف متعین شود در سپاه و ارتش" "اگر چه با سیاسی و مناقشات سیاسی در سپاه رفت و در ارتش رفت باید فاتحه این سپاه و ارتش را بخوانیم "بر این پایه فرمان می دهد:

"برای سپاه می ها جایز نیست که وارد شوند و دسته بندی "برای ارتش جایز نیست چرا که آنها را "از آن تعهدی که بعهد آنهاست بازمی دارد." تلاشهای آقای خمینی برای قدر قدرت و انمودن حکومت خود و جلوگیری از تارتاب کشا کشا می شدید درون هیات حاکمه و ایجاد توهم درباره "قدرت و وحدت" حکومت در ذهن توده ها، در رویارویی با تافتهای همه سوبه ای که رژیم را فرا گرفته، بی نتیجه می ماند. تنش شدیدی که در پیس ره نمود "های ایشان به دولت موسوی و علیرغم توصیه های مکرر همزمان وی برای جلوگیری از کشاکش نهادها و مسئولین، هیات حاکمه را فاسد گرفت، نمودار بارز این مساله است.

یک روز پس از سخنرانی چهارم شهریور آیت الله خمینی، جعفری وزیر بازرگانی با هیات هوا اعلام کرد: "دینبختی از آن شباهایی بود که ما راحت خوابیدیم"

موسوی نخست وزیر نیز بیدرنگ، بخشنامه ای صادر کرد و اجرای هر چه فوری تر آخرین "رهنمود" ها را در دستور قرار داد.

"اما" شورای نگهبان "افزون بر این در مقابل رقیبان "بدا سق" دو کده گذر فته "عدالت اسلامی" و رد زیاتشان بود، به جمع بندی نتیجه گیریهای خمینی از "رهنمودهای امام" مشغول شد.

اما می کاشانی، سخنگوی شورای نگهبان "در گفتگویی با خبرنگار "صدای جمهوری اسلامی (۶ شهریور) گفت:

"شورای نگهبان از اوایل سال ۶۱ تاکنون این مشکل را در مورد لایحه بازرگانی خارجی داشت و سه بار هم جواب مجلس شورای اسلامی را داده که این صورت بازرگانی خارجی با موازین اسلامی منطبق نیست، وی در ادامه سخنانش، مواضع شورای نگهبان را که همان مواضع آیت الله خمینی است، تشریح کرد. اصل ۴۴ را با دیگر آیین دینسی کرد و مواضع نظریات "شورای نگهبان" را مورد حمله قرار داد و نظرات "عامی" خواند، او گفت:

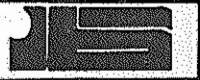
"برخی خیال می کنند مالک ارز، دولت است و به هر کس بخواهد از می دهد یا نمی دهد، این نظیر عامیانه است. دولت زر را با بد بر اساس مصالح جامعه تقسیم کند."

هاشمی رفسنجانی سخنگوی رژیم نیز در پیس گفتار امامی کاشانی تشخیص داد که برای نشان دادن غافل و در عین حال نجات سواقی خود از معرض انتقاری شورای نگهبان با بد کساری کند. بین در نما زجمع ۱۷ شهریور گفت:

"اینطور نیست که شما فکر کنید که دولت می تواند از این ارز که در اختیارش است بهر کس بدهد که جس بیاورد... چنین چیزی نه منطقی است و نه ممکن، بعد میزند. او پس از این "انتقادات" در برابر مردم و به سود منافع مشترک به تعلق از "شورای نگهبان" مشغول شد. "شما اگر می بینید گاهی در اینگونه مسایل بین مجلس و شورای نگهبان با گویا بعضی از علما اختلاف نظری شود، اختلاف نظر در اینجا نیست که سرمایه داری تقویت شود... من یقین دارم، قسم می خورم که شورای نگهبان افرادش، حقوقدانهای علمایس، همه شان متفقاً برای خیر ملت نظر می دهند..."

آقای خمینی خود پس از هیات هو می که بر باشد، "فقها و معوقدانان شورای نگهبان" را فرا خواند و به آنها توصیه کرد که "رفتار شما باستی بصورتی باشد که انتزاع نشود که شما در مقابل مجلس و دولت ایستاد، آید. اینکه شما یکی و مجلس یکی، شما یکی و دولت یکی است، ضربه میزند (یازدهم شهریور).

آقای خمینی خوب می دانند که وقتی "شورای نگهبان" برگزیده ایشان به "افشا" سوابق امثال رفسنجانی موسوی نخست وزیر می پردازد، پای وی نیز در میان است، چون این اشخاص در گذشته وعده های ایشان را تبلیغ و تفسیر می کردند، همانگونه که امروز مجری او را هستند، وی اگر چه بقیه در صفحه ۸



یام سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

اکنون سال تحصیلی جدید فرا رسیده است و شما که قلبتان آکنده از آرزوی تحصیل و دانش اندوزی و ایفای نقش سازنده در زندگی اجتماعی و سیاسی میهن است، راهی مدارس و دانشگاه‌ها می شوید. آینده میهن ما به عزم و رزم و کار سازنده شما وابسته است و شما با همه شور و توان به سوی آینده‌ای که با آرمان‌ها و آرزوهای نیک‌تان آراسته می شود، پیش میروید. سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، فرارسیدن سال جدید تحصیلی را به همه شما عبادش می گوید و اطمینان دارد در پرتو عزم و رزم همه ما، آینده مطابق آرمان‌های والايمان بنا خواهد شد.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

ششمین سال تحصیلی پس از انقلاب، در شرایطی آغاز می شود که میهن ما دورانی بس تیره و دشوار را می گذراند. رهبران جمهوری اسلامی انقلاب بهمن را به شکست کشانده و دستاوردهای عظیم مبارزه مردم را نابود کردند و با ردیگر حکومت بهره کمان و دستمکران را دایر کردند. حکومت جمهوری اسلامی با کوشدن درهای ایران به سوی امپریالیستهای جهان خوار را میهن ما را شتابان به سوی تحکیم و استیلا می کشد. با همه اینها امپریالیست‌ها می کشند. ارتجاع حاکم با ادامه جنگ ویرانگر، هر روز جنایات تازه‌ای می آفریند. کشتار هزاران جوان و نوجوان و کودک ایرانی در میدانهای جنگ و دیگر پیمانهای وحشتناک آن، خشم و نفرت بیکران مردم را شعله و ساخته است. سران جمهوری اسلامی با تنها جانتان را هزنانه و فاشیستی می کوشند از حزب و سازمان‌های انقلابی و میهن پرست را نابود و مقاومت و توده‌ها را در هم بگنجانند. آنان خفقان و اغتشاق خوین و بیسابقه‌ای را به کشور ما تحمیل کرده اند.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

رهبران جمهوری اسلامی، در هر اس از ترقیخواهی و آزاداندیشی مردم و رشد جنبش انقلابی از همان روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب به تسادارک و اجرای ارتجاعی ترین اقدامات در مدارس و دانشگاه‌ها پرداختند. هزاران تن از معلمین و استادان با سواد و مردمی و مترقی از محیط‌های آموزشی اخراج و بسیاری از آنها به زندان و اعدام محکوم شدند. دهها هزار تن از دانش آموزان و دانشجویان مبارزان انقلابی، تنها به جسم عقاید و مواضع انقلابی و حتی خواندن اعلامیه و روزنامه، زندان و شکنجه و اعدام شده‌اند. تنها به بربر-منشانه، زیر علم باصطلاح "انقلاب فرهنگی" به دانشگاه‌ها، و جنایاتی که در این راستا صورت گرفته و در تاریخ کشور مابقی نظیر است. تفتیش عقاید و اختناق فاشیستی در مدارس و محرومیت دانشگاه‌ها، به و فتنه‌ترین و جنجالی‌ترین حقوق اولیه انسانی را کمدال می کند. خیرچینی مزدوران و عناصر مخ شده "انجمن های اسلامی" وسیله اخراج، زندان و حتی اعدام جوانان قرار گرفته است. کنگور چند مرحله‌ای تمهیدات پلیسی گوناگونی صورت می گیرند تا تنها کسانی که وابسته به حکومت و خواستار جاسوسی برای آن هستند، به دانشگاه وارد شوند.

ما همه این تحولات نتوانسته و نمیتواند مانع حضور و جنبش اندیشه، انقلابی در دانشگاه‌ها گردد. در دانشگاه هست، اندیشه، انقلابی و مبارزه خواهد بود. نظارت‌شانه روزی و جنایات اهریمنی در خیامان اوبس، سلطه، انجمن فدائیان در "حجتیه" و فعالیت جاسوسی، انجمن فدائیان در مدارس و دانشگاه‌ها قادر نبوده و نخواهد بود انقلابیون و مبارزین را خفه سازد. از نظر رژیم دانش آموزان و دانشجویان حق ندارند برای ابتدائی ترین خواسته های صنفی خود مبارزه کنند، هرگونه شکل فعالیت مستقل در مدارس و دانشگاه‌ها و هرگونه فعالیت فوق برنامه‌ای از صورت می‌گیرد. هنری، فرهنگی، ورزشی و... ممنوع است. مگر اینکه توسط انجمنهای اسلامی و یا سیاستهای ارتجاعی مربوطه به اجراء آید. آئین نامه انضباطی غیر دانشگاه‌ها، بنمودار رژیمین سیاستها و اقدامات ارتجاعی است.

امروز، در نتیجه سیاستها و اقدامات بغایت ارتجاعی رژیم، میلیونها نفر از کودکان و جوانان زحمتکش ما همچنان از امکان تحصیل محرومند. دهها هزار دبیلنه پشت در دانشگاه‌ها مانده اند، غول بیسودی همچنان بر سرشوت میلیونها زن و مرد که از امکان سواد آموزی محرومند، چیره است. افکار سیاه قرون وسطا فاشیستی و درک ارتجاعی رهبران جمهوری اسلامی از سواد آموزی

و تعلیم و تربیت، طی این مدت تیشه به ریشه آموزش و پرورش ما زده و وضع آنرا از گذشته به مراتب خرابتر کرده است. تخریب سیستم آموزشی و تنزل فاحش سطح آموزشی، نتایج فاجعه انگیزی به بار آورده است. که آمار وحشتناک مردودین سالهای گذشته و نامرئین از تحصیل بخشی از نمود آن است. دهها هزار معلم با سواد و دلسوز و با تجربه اخراج و جای آنان را افراد بیسواد، بی‌فکری و ارتجاعی پر کرده‌اند. کتابهای درسی بی‌فکری و از پیش از مضامین علمی تهی شده و مطابق اهداف ارتجاعی و اندیشه های قرون وسطائی سرهم بندی شده است. اشاعه خرافات و باورهای ضد علمی، ضد فرهنگی، ضد تاریخ ملی و ضد ارزشهای انسانی، بخش عمده برنامه های آموزشی را اشغال کرده است. وسایل کمک آموزشی کمترین جایی در آموزش ندارند. بیشترین انرژی دانش آموزان و دانشجویان صرف آموزشهای می شوند که کمترین ارزش علمی و عملی ندارند. رشته های تحصیلی، هر چه بیشتر از نیازهای واقعی جامعه دور شده اند. تعداد دانش آموزان رشته های غیر خدماتی، شاخه فنی و حرفه ای تنها ۸٪ و دانش آموزان رشته های چون فیزیک و ریاضی از چند درصد تجاوز نمی کنند. به جای ساختن مدارس جدید بسیاری از کلاسها و مدارس موجود تعطیل شده اند. محدودیت برای تحصیل دختران که با بنیاد بتغای ارتجاعی صورت میگیرد، هر روز شدیدتر می شود. از دانشگاه‌ها که همال بعد از تهاجم مغول و ارتحت فشار افکار عمومی ساخته شده، جزویرانه ای برجای نمانده است. استادان زحمتکش و با سواد تفضیه شده و امکانات آموزشی نابود گردیده اند.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

فناشی که امروز در مدارس و دانشگاه‌های ما حاکم است، کمترین شایستگی به یک محیط علمی، فرهنگی و تربیتی ندارد. در اینجا خارج از محیط طرز رفتار، دوستی، حتی زندگی خارج از محیط تحصیل و اندیشه و فعالیت افراد باید در چارچوب معیارهای قرون وسطائی و ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد. سینه زنی و توهن خوانی به مناسبتهای گوناگون، تنبیه بدنی، تخریب، تحقیر و... بخشی از زندگی روزمره محیطهای آموزشی است. اشاعه افکار کثیف و ارتجاعی "ثواب صیبه شدن" و تبلیغ "ازدواج در سنین پایین" در بین دانش آموزان دختر رسماً و عملاً صورت میگیرد. اشاعه فرهنگ تفرقه، ربا و تزویر و خیرچینی و جاسوس مافی کار همیشگی عمال حکومت در محیطهای آموزشی است.

فناشی خفقان آلود و حزن انگیزی که جمهوری اسلامی به محیطهای آموزشی تحمیل کرده، نتایج دهشتناک جنگ خانمانسوز و مدها فاجعه دیگری که جمهوری اسلامی بیار آورده، هر روز شدیدتر، زندگی و آینده شما دانش آموزان و دانشجویان را تهدید می کند. کشتار دهها هزار دانش آموز و در گروه‌های جنگ ویرانگر، نمودار با زری از این جنایات رژیم است. رژیم خود اذعان کرده است که بیش از ۵۲٪ نیروی بسیج (جبهه) دانش آموزان بین ۱۶ تا ۱۸ ساله هستند. رژیم دانش آموزان را با فشار و نیرنگ از پشت میزهای درس روانه جبهه ها می کند و آنها را گوشه‌توب می‌سازد و در میدانهای مین به خون میکشد، کودک کشی و جوان کشی راه ورسم رژیم شده است جمهوری اسلامی فعالیتهای فرهنگی، هنری و علمی و اجتماعی را منع و ورزش و تفریحات سالم را نابود کرده و در محیطهای آموزشی تخم خرافات و فساد و کینه و مرگ می پاشد.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

مبارزات دانش آموزان و دانشجویان ایران، بعنوان بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیست و دموکراتیک کشور ما، همواره نقش مهمی در مبارزات مردم داشته است. مقاومت و مبارزه شما در مدارس و دانشگاه‌ها طی سالهای گذشته در به بنامت کشیدن و رسوا ساختن سیاستها و اقدامات ضد فرهنگی، ضد آموزشی و ارتجاعی رژیم، نقش بزرگی ایفا کرده است. اکنون در شرایط رشد شتابگر جنبش توده‌ای، وظایف مبارزاتی شما با ز هم سنگین تر می شود. با تمام نیرو در راه انجام این وظایف بکوشید:

با همه امکانات در برابر سیاست جنسی رژیم

که جوانان را به سطح جنگ میفرستد، افشاگری و اعتراض کنید و در هر کجا و به هر شکلی که میتواند علیه آن مبارزه کنید. جوانان ناآگاه را برای خروج از "بسیج" و ترک جبهه های جنگ و غنشی کردن توطئه جنایتکارانه رژیم برای گسیل آنها به جبهه‌ها راهنمایی کنید.

علیه سیاستهای ضد آموزشی رژیم افشاگری و مبارزه کنید. در برابر فقدان معلم و استادان با سواد و متعهد، اخراج معلمین و استنادان ترقیخواه، برنامه های بی محتوای آموزشی، اشاعه خرافات و مطالب ضد علمی در کلاسها و در کتب درسی، بسته شدن کلاسها و گانونهای آموزشی و دیگر موارد، بهر شکل ممکن، مبارزه خود را گسترش دهید. علیه سیاست بنیاد ارتجاعی چند مرحله‌ای کنکور ورودی دانشگاه‌ها هر چه گسترده تر اعتراض کنید.

ساقدمات و فتنایهای ضد دموکراتیک در مدارس و دانشگاه‌ها را هر چه وسیعتر افشاء کنید و همگان را به مبارزه علیه آنها فراخوانید. با تفتیش عقاید و خیرچینی مقابله کنید. نام و نشان وابستگان به انجمنهای اسلامی و افرادی را که در بین معلمان و دانش آموزان و دانشجویان جاسوسی می کنند افشاء و آنان را طرد و منفرد سازید. با برنامه های تبلیغاتی و شمارهای رژیم همراهی نکنید و بهر شکل ممکن برای شکست آنها بکوشید.

از هر امکانی برای ایجاد تقویت تشکلهای صنفی و فعالیتهای فوق برنامه مضر علیه های گوناگون استفاده کرده آنرا وسعت دهید.

با سیاستهای رژیم را در اشاعه تباهی و فساد در میان جوانان افشاء کنید. در راه گسترش فعالیتهای آموزشی و ورزشی و ترویج تفریحات سالم و سازنده بکوشید.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

امروز، جنبش ما بیش از هر زمان به کنگار آگاهگرانه و سازمانگرانه و هشیاری و ایستادگی شما نیازمند است. تدارک، سازماندهی و هدایت مبارزات دانش آموزان و دانشجویان عرصه مهمی از فعالیت انقلابی شماست. در شرایطی که ارتجاع حاکم از هیچگونه دمئشی و جنایتی برای سرکوب نیروهای انقلابی خودداری نمیکند، وظایف دشوار و خطیری در برابر شما قرار گرفته است که باید آنها را با حداکثر هوشیاری و بکارگیری همه چارچوب به انجام رسانید.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

اعتراضات و مبارزات دانش آموزان و دانشجویان را علیه سیاستهای ضد آموزشی، تضییقات ضد دموکراتیک و دیگر سیاستهای ارتجاعی حکومت سازماندهی و هدایت کنید.

ضرورت و اهمیت تشکلهای صنفی دانش آموزان و دانشجویان را هر چه بیشتر تبلیغ نموده و فعالیتات را در جهت ایجاد و گسترش تشکلهای گوناگون هدایت نماید.

اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را بهر طریق ممکن بخش کنید و نظرات و شمارهای سازمان را به میباز دانش آموزان و دانشجویان بپرسید. جوانان را برای شنیدن رادیوهای مدافع انقلاب تشویق کنید. افراد مطمئن را که کرایش ترقیخواهانه و مردمی دارند با مواضع و تاریخ رزم انقلابی سازمان آشنا کنید. آنها را به صفوف سازمان فراخوانید.

اخبار جنبش مقاومت توده‌ها و اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان و همه اقشار خلق را در محیط تحصیل و زندگی، بهر نحو مناسب منعکس کنید.

تبلیغیات رژیم را علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و دیگر نیروهای مبارز افشاء کنید. عناصر جاسوس و مزدور را در محیطهای تحصیلی بنام ساند افشاء کنید.

برای پیشبرد وظایف معین و فعالیتهای که پیش رویتان قرار میگیرد، با دیگر نیروهای انقلابی و مبارز، چاره جویی و همکاری کنید.

دانش سیاسی خود را همواره ارتقاء دهید. در همه جا سرفش فداکاری، اخلاق، احساس مسئولیت، دانش اندوزی و تحرک و شادابی باشید. شعله های مبارزه و امید را در دل جوانان برافروزید.

مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا زنده باد، صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی گسترده باد مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک دانشجویان و دانش آموزان سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) شهریور ۱۳۴۲

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

"هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم

هم میهنان عزیز!

روز ۳۱ شهریور جنگ خانمانسوز ایران و عراق وارد پنجمین سال خود می‌شود. این جنگی است که ادامه آن به سود برانگیزنده اصلی آن، یعنی امپریالیسم آمریکا است.

جنگ که با هدف عقیم گزاردن تداوم انقلاب مردمی بهمن ۵۷ از سوی امپریالیسم آمریکا به مردم میهن ما تحمیل شد، در ادامه خود به اهرم و دستاویز پیشبرد توطئه‌ها و نقشه‌های کوشا مدت و دراز مدت امپریالیستی در منطقه تبدیل گردیده است. امپریالیسم آمریکا به بهانه‌های تهیید "منافع حیاتی" با تشدید بی سابقه حضور نظامی خود در خلیج فارس و قیابنوس هند، نه تنها استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران، بلکه استقلال دیگر خلیجها و کشورهای منطقه و نیز صلح و امنیت جهانی را در معرض خطر واقعی قرار داده است.

این جنگ هستی سوز قربانی‌ها، فاجعه و بلاهایی بی شماری را بوجود آورده است. شمار کشته شدگان هر دوسوی آتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولین به ۱/۵ میلیون نفر سر می‌زند. شمار ایرانی‌ها و عراقی‌هایی که از خانه و گاشانه خود دور و از مرز و آواره شده‌اند و در پشت جبهه در شرایط دشوار و توان فرسایشی‌زیست می‌کنند از رقم سه میلیون تن می‌گذرد و میزان خسارات مالی به ده‌ها میلیارد دلار بالغ می‌شود.

جنگ، بحکمت نگرانی و دلپیره فراگیری را به جان مردم انداخته است. در بین زحمتکشان کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که به سوگواری عزیزی زانوی غم دربرنگرفته باشد. صدها هزار مادر و پدیر که چون نوری در جبهه سوزان جنگ دارند با دلپیره مرگ بیپوده فرزندان دلپند خویش دست به گریبانند.

جنگ موجب در فلطیند اقتصاد کشور به بحران و رکستگی شده است. وابستگی صنعتی به جهان سرمایه داری تشدید شده و گشاوری به بحران عمیقی زور پرو است. تورم و گرانی سراسر آرز و بیگاری و مهاجرت فزاینده و ستایش از هستی ساقط شده به شهرها پیا آمد تاگزیر ادامه جنگ است. کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان زیر فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ دست و پا می‌زنند.

ادامه جنگ شرایط قدرت گیری و تسلط نیروهای ارتجاعی راستگرا، احیاناً منافع غارتگرانه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در حاکمیت جمهوری اسلامی فراهم آورده است. جنگ عامل عمده چرخش حکام جمهوری اسلامی به راست و تشدید رژیم ترور و اختناق در کشور است.

به بهانه ادامه جنگ خواستها و اعتراضات توده‌های مردم و نیروهای انقلابی را با اشکال خشن و غیر انسانی در منطقه خفه می‌کنند. کارگران که در ارتباط با شرایط سخت زندگی خود دست به اعتراض و اعتماد می‌زنند، با زداشت و زندانی می‌شوند. دهقانان معترض به بازگشت بزرگ مالکان و بازستاندن زمین‌های واگذاشته شده، سرکوب می‌شوند. خلق کرد که خواستار پایان بخشیدن به محرومیت‌های تاریخی و احراز حقوق مشروع خود مختاری در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است، به خاک و خون کشیده می‌شود.

ادامه جنگ بدون خرید جنگ افزارهای پیشرفته مقدور نیست برای اساسی رژیم بافروشی

ارتان نفت، به سوی انحصارات امپریالیستی روی آورده و به مشتری سودرسان سوداگران مسرگ تبدیل شده است. تشدید روند وابستگی نظامی به امپریالیسم و بازسازی تاسیسات صنعتی مدته دیده و ویران شده شرایط سرازیر شدن سدهای کلان به حلقوم سیری ناپذیر انحصارات صنعتی و نظامی را فراهم می‌کند. نیاز روزیم برای خرید قطعات یدکی جهت جنگ افزارهای آمریکایی حربی کارسازی در کف امپریالیسم نباده قرار دادهای اسارت بار و نابرابری در زمینه‌های گوناگون نظامی و اقتصادی به کشور ما تحمیل کنند.

سران جمهوری اسلامی که به دنبال محلات پیاپی و بنا فرجام از پیش‌بینی مادی و معنوی مردم محروم مانده اند و به علت عدم آمادگی برای پذیرش صلح، جنگ را به بن بست نظامی، سیاسی و اجتماعی کشیده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که پیروزی در میدان جنگ لزوماً با حمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا - لیس آمریکا به دست می‌آید. از این رو مدت‌هاست که سیاست خارجی هویت حاکمه با روند بازسازی وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و همسویی و همسانی سیاسی با برپاکنندگان و آتش‌بازان اصلی جنگ آمیخته است.

پس از گذشت چهار سال از آغاز جنگ، در شرایطی که ادامه آن به وسیله شومی برای اجرای اهداف و مطامع ماجراجویانه و بلند پروازانه

"مدورانقلاب" سردمداران رژیم تبدیل شده است. توده‌های زحمتکش دیگر حاضر به ادامه این جنگ نیستند. موج ناخشنودی و اعتراض توده‌های وسیع مردم نسبت به سیاست ادامه جنگ هر روز به اشکال گوناگون بالا می‌گیرد. روح گیری روحیه ضد جنگ در میان همه اقشار و طبقات زحمتکش و حتی زده‌های گوناگون نظامی و بسیج، با سیاست سرکوب آشکار و پراکندن بذر رعب و وحشت رویاروشده است. کار به جایی رسیده که مقامات دولتی، از جمله رئیس جمهوری، هرگونه سیاست بازی به معنی بحث و گفتگو و تفکر درباره عمل و دورنما و فرجام جنگ را ممنوع اعلام کرده‌اند. رسانه‌های گروهی زیر ساطور شدیدترین سانسور قرار گرفته‌اند تا مبادا گوشه‌ای از خواستهای صلح طلبانه، توده مردم با زتاب یابند. ولی با وجود این، رژیم موفق به فرونشاندن روحیه صلح خواهی مردم نشده و نخواهد شد. روزی نیست که جوانان از جبهه‌ها برگزینند، روزی نیست که در مراسم سوگواری جوانان و کودکانی که از کارگاهها و مدارس و مزارع به میدانهای مین کشیده شده‌اند، شعارهای ضد جنگ داده نشود. روزی نیست که فریاد اعتراض ما دران و پدران داغ دیده شنیده نشود. روزی نیست که کارگران و کارمندان به کسر یک روز از حقوق ناچیز خود برای جنگ اعتراض نکنند. مردم از کمک به جبهه و رفتن به جبهه خودداری می‌کنند.

در شرایط کنونی جنگ به عامل کارآمد و موثر پیاده کردن اهداف و امپریالیسم و ضد ملی رژیم تبدیل شده است. ادامه جنگ نتیجه‌ای جز زورشن و گسترش سیاست ضد دموکراتیک و استقلال بر باد ده، جز تشدید روند بحران اجتماعی و اقتصادی و تحکیم وابستگی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم، جز استوار شدن مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و دیگر بیگماگران داخلی و خارجی، جز غارت دسترنج ناچیز کارگران و دهقانان و کوشش

دم توپ کردن فرزندان توده‌های محروم ندارد. بی آمدهای فاجعه بار این جنگ نه تنها دامنگیر نسل امروز، بلکه نسلهای آینده ایران نیز هست. سیاست اقتصاد جنگی و غیره سراسری هستی جامعه را در خدمت اهداف توسعه طلبانه و ماجراجویانه حکام ارتجاعی گذاشته است. هم میهنان عزیز!

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) از همان آغاز جنگ موضع اصلی، قاطع و عمیقاً مردمی و فدا میریالیستی نسبت به جنگ داشته‌اند و در حال حاضر نیز دارند. توده‌های فدائیان برای انجام وظیفه ملی و میهنی خویش قهرمانانه دوشادوش مردم در سترگهای خونین و مقدم جبهه علیه اشغالگران رژیم تودا و از هیچ گونه ایثار و فداکاری فروگذار نکردند. هیچ کس نمی‌تواند حماسه آفرینی‌ها و نقش تعیین کننده افتران میهن پرست همانند انقلاب، کبیری‌ها، و عطاریان‌ها را در روزهایی که جنگ در خاک میهن ما جریان داشت، نادیده انگارد. فاتحان میدانهای جنگ که به دست حکام ارتجاعی به جرم میهن پرستی به جوخه‌های اعدام سزده شدند.

باید درم شکستن نقشه مهاجمین، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به حق خواستار پایان جنگ شدند. شمار پایان جنگ که به گونه‌ای ژرف با منافع و سیاست

ارتجاع حاکم در تضاد بود، یکی از عوامل عمده بیورش سیمانه به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شد. ولی گذشت زمان و واقعیت سرخست زندگی حقانیت شعارها و پیشبندهای ما را ثابت کرد و نشان داد که ادامه جنگ تنها به زبان خلقهای ایران و عراق و به سود امپریالیسم آمریکا است. در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، جنگ به عنوان عمده ترین عامل تهدید استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ما به شمار می‌آید. در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم هراسال هفته جنگ برگزار می‌کند و با تبلیغات بردا منته پیرامون شعار جنگ، جنگ تا پیروزی و در پیرو نگرداشتن اهداف واقعی خویش از ادامه جنگ به منظور توجیه سياهکاریهای خود استفاده می‌کند.

مبارزه علیه مداخله امپریالیسم و مبارزه علیه نیروهای وابسگرا و آزادیکش حاکم، عمیقاً و ماهیتاً با شعار توده‌ای ما مطلع می‌خواهیم و به جنگ پیوند دارد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه احزاب و سازمانهای فدا میریالیست و مترقی، همه نیروها و شخصیت‌های ملی و میهن پرست را فرا می‌خوانند تا یکجا رجه و یکمدا، دوشادوش توده‌های زحمتکش که با راهی جنگ را بردوش دارند، همه توان خویش را به کار گیرند تا هفته جنگ را به هفته مبارزه در راه صلح و هفته افشاکری اهداف رژیم از ادامه جنگ تبدیل کنند. اتحاد و مبارزه بیگانه ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ۱۳۶۲

برای پایان دادن به شکنجه و اعدام، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!	برای پایان دادن به تحقیر و توهین به زنان، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!	برای پایان دادن به گرانی و بیکاری، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!	برای پایان دادن به شکنجه و اعدام، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!
فدائیان - اکثریت	فدائیان - اکثریت	فدائیان - اکثریت	فدائیان - اکثریت

مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی

رژیم حاکم و سرنوشت قانون اساسی

سرنوشت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آشفته، تمام نمای سرنوشت خودمختاری اسلامی است. نبردی که بر سر چگونگی تفسیر و اجراء این "قانون" در گرفت، بویژه نبرد بر سر آماج های اقتصادی آن، مذهباً کانون ستمگر گرایشهای متضاد درون حاکمیت بود. در این روند سازمان ما و حزب توده، ایران بیگوارترگی را برای تقویت گرایشهای ترقیخواهانه درون حاکمیت وسیع تودهها در سمت اجراء آماجهای اقتصادی و مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از تسلط گرایشهای ارتجاعی و پیاپی شدن آماج های ارتجاع سازمان دادند. اما سرانجام، با باخت رهبری جمهوری اسلامی و موضع گیری آیت الله خمینی علیه همه آماج های انقلابی، ستم آماج های ترقیخواهانه قانون اساسی جمهوری اسلامی بطور کامل پایمال شدند و اصول ارتجاعی آن سرمایه ارتجاع حاکم گشتند.

سرنوشت "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" بدلیل تضادهای و تناقضات بنیادی و همه جانبه آن ناهنجاری به چگونگی اجراء آن و چگونگی اجراء آن به گرایش و ستمگری مسلط در حکومت و نهاد های حکومتی بستگی داشت. چنانچه گرایش ترقیخواهانه در حاکمیت تعمیم و تحکیم و تعالی می یافتند و حاکمیت در راستای آماج های بنیادین انقلاب بهمین تنوع می پذیرفت و پیش میرفت، این امکان فراهم میشد که با تاکید بر آماج های ترقیخواهانه "قانون اساسی" و تدوین یک "متم" برای اصلاح و تکمیل آن اقدامات مهمی بودمردم انجام گیرند. در چنین صورتی، اصول ارتجاعی قانون اساسی جمهوری اسلامی فرسوده و شکسته میشدند، زمینه اجراء آنها تنگ و تنگتر میشدند و نیروی هرجه بیشتری برای آن وسیع میگشت. برعکس، هنگامیکه رهبری جمهوری اسلامی، راه دشمنی با همه آماج های انقلابی بهمین رایج گشتن و بار دیگر ارتجاع بر کشور حاکم شد، همه اصول ترقیخواهانه "قانون اساسی جمهوری اسلامی" یکایک نفی و پایمال شدند، همه پیش بینی های بیگانه و چند پهلوی "قانون اساسی" سودا ارتجاع تفسیر گردیدند و اصول ارتجاعی آن دست و پیرز مهم ارتجاع برای تحکیم "ولایت" خود شد.

تضادهای و تناقضات قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس کننده ایدئولوژی و برنامه متناقض رهبری جمهوری اسلامی گشاکش گرایشها و متحول کاملاً متضاد درون حاکمیت و شرایط پیچیده و متحول پس از انقلاب بوده است. همه این تضادهای و تناقضات، گشاکش گرایشها و جریانهای متضاد درون هیات حاکمه ارتجاعی و آزادی دیگر محور نیرومند توده های انقلابی در بنیه نبرد و تاثیر آن در رهبری جمهوری اسلامی در جریانهای تدوین و تصویب "قانون اساسی جمهوری اسلامی" مهم و نشان خود را برای گذاشتند. اصول "قانون اساسی" راه روشنی می توان به سه دسته تقسیم کرد: اصول مترقی و مردمی به صراحت دارند و امکان انجام یک رشته اصلاحات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی بسیار مثبت را فراهم میسازند، اصول ارتجاعی و ضد مردمی که صریحاً باقی حقوق توده ها و آزادیهای سیاسی و مردمی هستند، دسته سوم شامل اصول مهم و چند پهلوی است که محتوای آنها بستگی به مفسرین و جریانه آنها دارد. این اصول غمگنا "بامهم متضادند و نفی نسخه ای یکدیگرند.

بر همین پایه "قانون اساسی جمهوری اسلامی" در کلیت خود، چنان متضاد و متناقض است که امکان "اجراء کامل" آن هرگز ممکن نبوده است بنیاد ستمگری های ترقیخواهانه "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، همانا اصول اقتصادی آن و بطور مشخص اصول چهل و سوم و چهل و چهارم آن بوده است. اجراء انقلابی این اصول زمینه ساز براندازی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، تحدید بخش خصوصی و گسترش بخش دولتی و ملی و نتایجاً "بیشروی در ستم و قطع وابستگی اقتصاد کشور به انحصارات امپریالیستی بود. انجام چنین اطلاعاتی بطور بنیادی در خدمت بازاری و نوسازی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی کشور بود و زمینه را برای تحولات بنیادی تر فراهم میساخت. افزون بر این، پیش بینی های قانون اساسی در اصل ۱۵۴ و ۱۵۷ و اصول مشابه برای ایجاد شورا های اجرائی و ادارات و شورا های صنفی زمینه های مثبتی را برای اعمال نظرواراده مردم در هدایت جامعه و پاسخ به خواست هایشان فراهم نمیکرد. اجراء مجموعه این اصول بنیاد حاکمیت کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و استبداد "ولایت فقیه" را در هم می شکست. از اینرو سرمایه داران و زمینداران و رومانیون مرتجع و دیگر نمایندگان غارتگران داخلی و خارجی در یک سطر علیه چنین آماج هایی به توطئه

برخواستند و تدریجاً "جبهه" خود را گسترش دادند و سرانجام با انرا گرفتن آیت الله خمینی در رأس این جبهه ارتجاعی، ضربت نهایی بر پیکر انقلاب فرود آمد. استبداد مذهبی منعکس شده در "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" یعنی "ولایت فقیه" در این راستا به حربه بیرومند گرایشها و جریانهای ارتجاعی حاکم، برپای نفی همه قوانین ترقیخواهانه، نفی نظرواراده مردم و به کرسی نشاندن آماج ضد انقلابی خود بدل شد.

آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیمای و وظایف "ولایت فقیه" را شرح میدهد، تریسیم کننده یک شکل استبداد مذهبی قرون وسطایی است. اصول "ولایت فقیه" بر پایه نفی اراده مردم سوار است. البته در قانون اساسی سخن از "انتخاب فقیه" و "انتخاب نماینده" هم رفته، اما این به اصطلاح "انتخاب" مشروط است به انتخاب استبداد ولایت فقیه، یعنی مردم "آزادند" همان مستبد و همان استبداد را "انتخاب" کنند که به آنها تحمیل میشود. در هر صورتی حکومت بر پایه "مذهب و ولی فقیه" در رأس حکومت است و "مشیر" شورای نگهبان نیز بالای مردم و مجلس و هر قانونی که مطابق خواست حکام نباشد، قرار دارد.

قدرتی که "قانون اساسی جمهوری اسلامی" به "ولی فقیه" و "شورای نگهبان" داده است، حداکثر قدرت ممکن در یک رژیم مستبد است. ولی فقیه و شورای نگهبان هر قانونی و از جمله خود قانون اساسی را که حدود اختیار آنها را مشخص کرده است، میتوانستند دگرگون و نفی کنند. در واقع چنان قدرتی در اختیار اینان قرار گرفته که هر حکم شان میتوانست "قانون" باشد و هر راه شان میتواند نافذ هر قانون، استبداد، در هر شکل و به هر طریقی ارتجاعی است. حتی در شرایطی که یک انقلاب عمیق اجتماعی انجام شده باشد، چنانچه استبداد برقرار شود، انقلاب را در معرض خطر نابودی قرار میدهد. همینگونه، اندیشه در آمیزی دین و دولت و بخصوص نوع دشمن و جریانه آن، یعنی حکومت بر اساس فرق مذهبی فی نفسه اندیشه ای ضد دموکراسی و ارتجاعی است. "ولایت فقیه" به مثابه استبداد مطلق بر بدین بطور مضاف غمگنا "قانون اساسی" یک دموکراسی و ارتجاعی دارد.

نقش و کارکرد "شورای نگهبان" در "ولایت فقیه" و نقش "شورای نگهبان" آیت الله خمینی در طول سالهای پس از انقلاب بهمین تجسم کاملی از استبداد ولایتی است. "شورای نگهبان" جمهوری اسلامی از همان آغاز به مثابه عامل خنثی کننده اراده و نظر مردم به میدان آمد. کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و جریانهای و گرایشهای مدافع آنها در حکومت، بخوبی میدانستند که با تسخیر "شورای نگهبان" می توانستند ضربات کاری بر تلافی ترقیخواهانه در مجلس و بر آماج های ترقیخواهانه قانون اساسی وارد آورند. در واقع اگر مجلس مهمترین نهادی بود که در همان حد قانون اساسی امکان انعکاس بخشی از نظرات مردم را فراهم میساخت، "شورای نگهبان" نیز مهمترین نهادی بود که از همان آغاز، و خارج از "حدود قانون اساسی" و متضاداً آرمانهای مردم و آماج های مثبت قانون اساسی تمام و کمال، خواست و اراده کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ را جاری میکرد. "شورای نگهبان" نمیتوانید "ارتجاع مافوق مجلس" و قانون اساسی قرار گرفته و تلافی مردمی مجلسیان ترقیخواه را خنثی و فلج میکرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی گفته شد: "مجلس شورای ملی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد." (مصل ۹۳) و کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان فرستاده شود" (مصل ۹۴) و "تفصیح عدم منابرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تفصیح عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است" (مصل ۹۶) و تفسیر قانون اساسی بعد از شورای نگهبان است... (مصل ۹۸). این "اصول" که آشکارا و به شکلی تفسیرات انگیز بر پایه نفی و تحقیر اراده مردم و بیست کردن مجلس در برابر ولی فقیه و شورای نگهبان و تنظیم شده است، سرنوشت انقلاب بهمین، سرنوشت کشور و مردم و سرنوشت همه طرحها، پیششدهای مجلس را به شش نفر "فقیه" سیرده که "انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است" (مصل ۹۹). اما شی کاشانی، سخنگوی "شورای نگهبان" در جهت نابودی کامل هر نظر و اراده مخالفی حقوق و اختیارات شورای نگهبان را اینگونه تفسیر می کند:

"وظایف شورای نگهبان پنج چیز است: اول مصوبات مجلس را تا پید با رد میکند... دوم تمام قوانین در انبعاث مختلف باید اسلامی باشد و این مطلب حتی قانون اساسی را هم میگوید و مشخص این معنا هم، شورای نگهبان است. سوم تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است. چهارم، تعیین صلاحیت رئیس جمهور است. پنجم تعیین صلاحیت نمایندگان مجلس است. بنا بر این اگر بخواهیم وظایف شورای نگهبان را مطرح کنیم باید عرض کنیم که وظایف شورای نگهبان پنج چیز است و این پنج امر هم همه امور پایه است و مهم ترین مسائل جمهوری اسلامی است و می توانیم (بگویم) که عملاً نظام جمهوری اسلامی بر سر دوش همین دوازده نفر است...".

ربانی امینی، یکی دیگر از مرتجعین نیردر همین زمینه میگوید: "هر گاه شورای نگهبان تفسیر کرد، هیچکس حق مخالفت ندارد. اگر قاطعانه نظر داد و تفسیر کرد، این تفسیر میشود قانون اساسی".

روشن است که همه "حقوق شورای نگهبان" و تفسیرهای این "شورا" از حقوق خود با اذن و تایید "ولی فقیه" یعنی شخص آیت الله خمینی بوده است. "شورای نگهبان" جسمی از اراده "ولی فقیه" و "اهرم بلا فصل اعمال اراده آن است. چنانچه خمینی اقدامات "شورای نگهبان" را مخالف "رای" خود تشخیص میداد، به آسانسی میتوانست همه اعضا آنرا تغییر دهد و کسان دیگری را در این سمت بگذارد. اما بعکس ایشان همواره از این "ستون اسلام" در مقابل مخالفین اقدامات آن دفاع کرده اند و بویژه هنگامیکه ایشان برای افزایش قدرت و اقتدار همیمن "شورای نگهبان" کوشیدند. ایشان بی پرده به مجلس اعلام کردند که شما نباید لواحق تصویب کنید که شورای نگهبان با آنها مخالف است!

بدینگونه مجلس موظف شد در هر مورد مشخص ابتدا حدود اختیارات و محدوده مجاز تصمیم گیری را از "شورای نگهبان" "افتتاح" کند، آنگاه در همان محدوده مقرر، که تمام و کمال به حدود منافع غارتگران ختم میشد، تصمیم گیری بپردازد.

"شورای نگهبان" که هم طرفدار سرمایه داران بزرگ است و هم طرفدار فئودالها، از همان آغاز در ست استفاده از همه "حقوق" خود برای تهنی کردن "قانون اساسی"، از هر گونه محتوای ترقیخواهانه و به کرسی نشاندن آماج ارتجاع دست نگار شد. همه لایحه ترقیخواهانه ای که در مجلس به تصویب میرسید، بیدرنگ با صدور گزینا پذیر "شورای نگهبان" مواجه میشد و با مهر "مخالف شرع" و "مخالف قانون اساسی" به مجلس باز میگشت. لایحه اصلاحات ارضی و لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، که مهمترین لایحه ترقیخواهانه مجلس بودند، اجراء آنها نمیتوانست به کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی ضربه وارد آورد، چندین بار و علیرغم تعدیل و تمطیع از سوی شورای نگهبان رد شدند و سرانجام از بنیاد نفی گشته، و "غلاف شرع اسلام" اعلام شدند. تاریخ نبرد بر سر دو لایحه فوق در عین حال بیباکتر روند سلطه بی چون و چواری "شورای نگهبان" بر مجلس و انطباق مجلس، با ستمگری شورای نگهبان آیت الله خمینی است. در پایان این روند از آنچه "قانون اساسی" نامیده میشد تنها مفاد ارتجاعی آن بر جای مانده اجراء گذاشته شد، و هر چه مواد مترقی در این قانون بود با "تفسیر" شورای نگهبان مسخ و نفی گشتند و همین "تفسیر" بعنوان "قانون" به "متمم" و "مکمل" قانون اساسی تبدیل شدند چرا که اگر شورای نگهبان قاطعانه نظر داد و تفسیر کرد، این تفسیر میشود قانون اساسی".

در راستای روندی که بررسی کردیم، رژیم سیاسی تکوین یافت و بر کشور ما چیره شد که حتی سرایا برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی برخلاف قانونی است که خود رژیم ارتجاع تصویب کرده است، بر نامه و آماج های اقتصادی اجتماعی این رژیم از پایه با محتوای اقتصادی اجتماعی قانون اساسی در تضاد است. رژیم آیت الله خمینی تجسم نفی همه آماج های مثبت قانون اساسی و بطور اولی تجسم نفی همه آماج های انقلاب بزرگ بهمین است. ارگان رژیم حاکم بر نابودی آزادی سیاسی، نفی عدالت اجتماعی، تهدید استقلال ملی و نفی صلح و امنیت اجتماعی سوار است. این رژیم تا همین گذشته منافع کلان تاجران و سرمایه داران و مالکان بزرگ دشمن طبقه کارگر توده های میلیونی، واقع بی سابقه ترین های ملی و مذهبی و جنسی و فرهنگی و نمیدانیم ماندترین شکل استبداد است.

توده های میلیونی که انقلاب بهمین را بیا کردند و همه نیروهای انقلابی و میهن پرست، ارتجاع حاکم را مانع عمده تحقق آنجاها انقلاب می دانند، سمت اصلی مبارزه نیروهای انقلابی با این دادن به حاکمیت ارتجاع است.

جنبش کارگری در راه پیشرفت

یکی از خواستهها آن اعتبار بخونین کارگران ...

یکی دیگر از عرصه های مبارزه کارگران ...

مبارزه کارگران در راه دستیابی به قانون ...

مبارزه کارگران جهت حفظ تشکلهای ...

در ماههای اخیر تلاش کارگران برای ...

اتحادیه توانست موجودیت خود را حفظ کند ...

نمونه دیگر، " تعاونی های مسکن کارگری ...

اعتراض علیه اخراج کارگران مبارزه در راه ...

نبود مواد اولیه تصمیم به اخراج ۱۵۰ کارگر ...

در ماههای گذشته مبارزه کارگران علیه ...

در ماههای اخیر کارگران به اشکال مختلف ...

در ماههای اخیر تلاش کارگران برای ...

کارخانه روغن ورامین شماره ۲، و تعداد ...

در شرایط کنونی مبارزه کارگران در اشکال ...

امروز، ارتجاع حاکم حرکات کارگری را بنا ...

یکی از مهم ترین مفع های جنبش کارگری ...

در ماههای گذشته مبارزه کارگران علیه ...

انتخاب عکس العمل مناسب کارگران در اوضاع ...

یکی از اهرمهای دشمنان طبقه کارگر جهت ...

بیاد مجاهد نستوه آیت الله طالقانی

درگذشت آیت الله سید محمود طالقانی، در روز ۱۹ شهریور ۱۳۵۸، مردم انقلابی ما را دچار تأثر و تأسف عمیقی کرد...

بخش اعظم زندگانی آیت الله طالقانی در مبارزه با رژیم دیکتاتوری شاه گذشت...

آزادیخواهانه داشت، او بارها تأکید کرد که مردم قبل از هر چیز به آزادی نیاز دارند...

بار هبیری مذهبی، داعیه حکومت برای

خودمان نداریم و نمی‌خواهیم حاکم باشیم، انقلابی است که از توده و همه مردم و همه قشرها آغاز شد...

آیت الله طالقانی امیرالایم آمریکا را دشمن اصلی مردم میهن ما می‌دانست و معتقد بود که مردم ما دشمنی واحد دارند...

آیت الله طالقانی در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود بر خطری واقعی که جامعه را تهدید می‌کرد...

آیت الله طالقانی در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود بر خطری واقعی که جامعه را تهدید می‌کرد...

آیت الله طالقانی در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود بر خطری واقعی که جامعه را تهدید می‌کرد...

خط امام خمینی و خط مردم

نزد شورای نگهبان و "تجار محترم" خود را از آن گونه سوابق "چپ‌روانه" می‌راند...

یکبار ازرهای پیاده شدن منظور امام "این است که دولت آری را که در اختیار دارد و مربوط به بیت المال مردم است...

بخران بنیادین حکومت آیت الله خمینی و بنیاد همه بحرانهای آن همانا تفادین حکومت با خواستها و آرمانهای توده‌های میلیونی قیام...

انتقامجویی کور ضد انقلاب در افغانستان

آوارگان به میهن، نابودی قطعی خود را چشم می‌بینند، فدائیان ناگزیر، مذبحگاه و حقیرانه، در تلاقی شکستهای خود تلاقی می‌کنند...

تجارب همه انقلابیها، نشان میدهد که ضد انقلاب شکست خورده، تا مدتی پس از شکست همچنان ها روجنون آسا، به تلاشهای تلافی‌جویانه...

تجارب همه انقلابیها، نشان میدهد که ضد انقلاب شکست خورده، تا مدتی پس از شکست همچنان ها روجنون آسا، به تلاشهای تلافی‌جویانه...

تجارب همه انقلابیها، نشان میدهد که ضد انقلاب شکست خورده، تا مدتی پس از شکست همچنان ها روجنون آسا، به تلاشهای تلافی‌جویانه...

تجارب همه انقلابیها، نشان میدهد که ضد انقلاب شکست خورده، تا مدتی پس از شکست همچنان ها روجنون آسا، به تلاشهای تلافی‌جویانه...

اسلانی پدیدآورده، با رشتاسند، آنها کمان دارند که می‌توانند شکست انقلاب بهمن و مسئولین شکست آنرا ارتوده هانپنهان سازند...

مردم وقتی به‌خاستند و انقلاب را به پیروزی رساندند و برابری بر سر سلطنتی را به جمهوری‌های دادند، آماجها و آرزوهای شخصی را به خیال می‌کردند...

مردم در پی همین آماجها از خمینی در برابر شاه پشتیبانی کردند، مردم وعده‌های خمینی را سابق کردند و با تمام نیرو کوشیدند که این وعده‌ها به عمل درآید...

اما دیگر مدتهاست که مردم در آینه زندگی خویش، و در آینه میهن خویش فاجعه را دیده‌اند، زندگی مردم کامل‌ترین نمودار شکست انقلاب بهمن است...

بایکاهایی هم که رهبران جمهوری اسلامی در شهرهای مشهد، قم، اصفهان و... برای آموزش این باندها دایر ساخته‌اند...

زیران جمهوری اسلامی، فعالیتهای ضد انقلابی خود علیه انقلاب و مردم افغانستان را زیر فریادهای دفاع از "مجاهدین اسلامی افغانستان" پوشیده می‌دارند...

زیران جمهوری اسلامی، فعالیتهای ضد انقلابی خود علیه انقلاب و مردم افغانستان را زیر فریادهای دفاع از "مجاهدین اسلامی افغانستان" پوشیده می‌دارند...

زیران جمهوری اسلامی، فعالیتهای ضد انقلابی خود علیه انقلاب و مردم افغانستان را زیر فریادهای دفاع از "مجاهدین اسلامی افغانستان" پوشیده می‌دارند...

زیران جمهوری اسلامی، فعالیتهای ضد انقلابی خود علیه انقلاب و مردم افغانستان را زیر فریادهای دفاع از "مجاهدین اسلامی افغانستان" پوشیده می‌دارند...

با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید

روز جهانی صلح و پیشنهاد های اتحاد شوروی بقیه از صفحه ۱

موشکهای هسته ای میان برد آمریکا در خاک کشورهای آلمان غربی، انگلستان و ایالتها مستقر شده اند. دولت ریگان نه هزینه های فوق العاده سنگینی برای تسلیحات نظامی امضا می داده است و برای تهیه موشکهای ام ای کس، زیر دریایی های اتمی جدید، سلاح لیزر و بمب افکن های "استلین" بی وقفه تلاش می ورزد و از امکان جنگ "محدود" و حتی بلند مدت هسته ای صحبت به میان می آورد. مقامات دولت آمریکا مدتهاست که برنامه تهیه و تولید سلاحهای اتمی جهت نظامی کردن فضای کیهانی را پیش می برند. بلندگوهای تبلیغاتی آمریکا بهشماره هجده هتای را تبلیغ می کنند و همراهِ با آن، سوسیالیسم و کمونیسم را در سواکسل ارتباط جمعی و بمنزله تجسم نیروهای شیطان تصویر می کنند و وقیحا نه با نودی فیزیکی سوسیالیسم و در درجه اول اتحاد شوروی را بعنوان هدف خود اعلام می نمایند.

موشکهای انگلستان و فرانسه، تمام موشکهای اتمی را منهدم میکند. (مارس سال ۱۳۴۲)

چرتنگو دهبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیشنهاد کرد که کشورهای دارنده سلاح هسته ای، در مسابقات با یکدیگر، موازین زیر را مراعات کنند:

- جلوگیری از جنگ هسته ای راه هدف عمده سیاست خارجی خود بشمار آورند.
- از تبلیغ جنگ هسته ای بهر شکل و نوع آن، خواه جهانی و خواه منطقه ای امتناع ورزند.
- تعهد بسیارند که در بکار بردن سلاح هسته ای پیشدستی نکنند.
- در هیچ شرایطی، علیه کشورهای کسره سلاح هسته ای ندارند و این اصل هسته ای را می آنها وجود ندارد. سلاح هسته ای بکار برند، موقعیت کنونی مناطق فائقه سلاح هسته ای را محترم بشمارند و ایجاد این قبیل مناطق را در سراسر جهان ترویج و ترغیب ننمایند.
- از اذاعه سلاح هسته ای امتناع نموده، این اسلحه و با کنترل آنرا بهیچ شکلی در اختیار دیگری قرار ندهند. در سرزمین هائی که اینک این سلاحها وجود ندارد، آنرا مستقر نسازند. مسابقه تسلیحاتی را به عرصه های دیگر و از جمله به فضای کیهانی نگشایند.
- بر پایه اصل امنیت یکسان، گام به گام در جهت دسترسی به کاهش تسلیحات تمام مرحله تا بوسی کامل آنها، از هر قبیل که هست، کوشش بعمل آورند.

اعتصاب کارگران شرکت ساسان در روز دوم مردادماه مورد هجوم ارگانهای سرکوب ارتجاع حاکم قرار می گیرد، در پی این این فعالین سازمان طی اطلاعیه های گوناگون و وسیع در منطقه پخش می شود، به تاریخ پنجم مردادماه این جنایات ارتجاع را افشا می کنند.

اقدام فدائیان خلق در جریان مبارزات کارگران کارخانه کاتادادارای، نمونه قابل تائیدی از ابتکار پیشرو طبقه کارگر سردر انعکاس بموقع حرکات کارگری است این تجربه رفقای ما باید سرمشق سایر فدائیان خلق، جهت حضور فعال در میان کارگران، و انکسشن بموقع و مشخص نسبت به مسائل آنها و انعکاس مبارزات و مطالبات آنها قرار گیرد.

در زیر اعلامیه فعالین سازمان در رابطه با مبارزه کارگران شرکت ساسان، بعنوان یک نمونه موثر کار انقلابی به چاپ می رسد.

سرکوب خونین کارگران مبارز کارخانه ساسان با دردیگری از چهره حاکمیت کارگرتیز جمهوری اسلامی بر می آید.

هم میهنان زحمتکش! در حالیکه حکومت جمهوری اسلامی راه را برای زرادشوری سرمایه داران و فئودالها باز می کند. در حالیکه تجار بزرگ بازار به همت حامیان حکومتی خود، خون مردم زحمتکش را می مکند. در حالیکه جنگ، این فریب خورده اشام، جان کارگران و زحمتکشان و جوانان آنها را نشانه می گیرد. در حالیکه گرانی برای مردم غیر قابل تحمل گشته و چون دشته به سینه زحمتکشان فرو می رود. در حالیکه بیگاری و اخراج حکم سرکوب برای زحمتکشان را پیدا کرده است. در حالیکه بیایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی امر عادی روزمره حاکمیت گشته، با زورم تلخی دارند تا با زور سرنیزه و نیرنگ حقوق کارگران و زحمتکشان را بیایمال کند. حکومت بجای پاسخگویی به ابتدایی ترین خواسته های کارگران و زحمتکشان با کشتار و دستگیری و اخراج و تلافی و تعزیر به آنها پاسخ می گوید. برای حکومت جز اینهم راهی نیست. با بیایمال طرفدار سرمایه داران و فئودالها با شادیا حاکم مستمعان، با بیایشتابان دست به سوی امپریالیزم و سرمایه داران و تجار بزرگ بازار دراز کند، با بازوان مردم شریف و مبارز، رادار مبارزه با امپریالیزم و حامیان آن بشمارد.

دیگریچیک از مردم مبارز و شریف به این سخن ربا کارانه و بوج حکومت که گویا می تواند هم طرفدار سرمایه داران بزرگ بود و هم طرفدار کارگران و زحمتکشان، باور ندارند. مردم عینه می بینند در حالیکه از سرمایه داران بیسزورگ و فئودالهای فراری دعوت به میهن می شود (بعنوان دعوت به چپا ول مردم) در همان حال کارگران و زحمتکشان مبارز، این سوتهای واقعی انقلاب، به گلرسته بسته شده و به بند کشیده می شوند.

هم میهنان زحمتکش! به دنبال مبارزه کارگران شرکت ساسان بخاطر اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و بی پاسخ ماندن این خواسته از طرف مدیریت، کارگران ساسان در روز سه شنبه ۶۳/۵/۲ بعنوان اعتراض دست به اعتصاب می زنند تا بدین وسیله صدای حق طلبانه خود را به گوش مسئولین حکومتی برسانند. به امید اینکه شاید مسئولین کوشی برای شنیدن داشته باشند و به این خواسته آنها پاسخ مثبت دهند. اما حکومت به مانند رفتار وحشیانه خود در مورد اعتراض زحمتکشان افسریه و کارگران دخانیات، این بار هم بجای پاسخگویی به این ابتدایی ترین خواسته کارگران آنها را به رگبار می بندند که با کمال تاسف در این حمله جانومردانه تعدادی از کارگران مبارز کشته و زخمی می شوند و تعدادی هم به بند کشیده می شوند.

کارگران و زحمتکشان مبارز! امروز طبقه تمام نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان شریف و مبارز ایران است تا ضمن حمایت یکپارچه خود از خواسته های کارگران ساسان، یک صد سرکوب خونین کارگران را افشا و محکوم کنند.

درد و بر کارگران مبارز شرکت ساسان پیروز باد! اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکودگی آمریکا ۶۳/۵/۵

این پیشنهادها و سایر ابتکارهای اتحاد شوروی از جانب مجامع بین المللی که خواهان حفظ صلح جهانی هستند، وسیعاً مورد استقبال قرار گرفته است. ولی امپریالیسم جهانی و بیش از همه امپریالیسم آمریکا در تنها این پیشنهادها را بی پاسخ می گذارد، بلکه بی وقفه در جهت تهیه نقشه های جدید تسلیحاتی گام بر میدارند. با این وجود مردم دنیا فاجعه جنگ دوم جهانی را تجربه کرده اند و امروز با تمام وجود برای مهار جنگ هسته ای نبرد می کنند. آنان به نیروی خود برای خنثی کردن تلاشهای جنگ افروزان آمریکا و کشورهای ناتو ایمان دارند و با برپایی مراسم اول سینا سیر (دهم شهریور) بعنوان روز جهانی صلح امید به آینده بدون خطر جنگ را در دلها زنده نگه میدارند.

انعکاس وسیع مبارزه کارگران شرکت ساسان بقیه از صفحه ۱

و اعتصاب مشابه مواجه است و از هماهنگ شدن حرکات کارگران و همکاری آنها با هم شدیداً وحشت دارد. رژیم از آگاهی و آشنائی کارگران با مشکلات و مسائل هم و درس آموزی آنها از تجربیات مبارزاتی یکدیگر در هراس است. سرکوب اعتراض کارگران توسط جلدان اوپسن و کمیته ها هم روزه تکرار می شود. ارتجاع تلاش می کند تا هر اعتراض کارگری را هر چه سریعتر با توسل به تهدید، اخراج، دستگیری کارگران بیشتر و مبارزه و کشت و کشتار کارگران خاموش سازد و مانع از رسیدن صدای اعتراض آنان به یکدیگر شود.

حکام جمهوری اسلامی که به آرمانهای کارگران و زحمتکشان میهن ما خیانت کرده اند و تا مین و تحکیم منافع کلان سرمایه داران و بسزرگ مالکان را در پیش گرفته اند، بیش از پیش با خشم و نفرت زحمتکشان مواجه میشوند. رژیم در صدد است تا با اعدامهای وحشیانه، شکنجه و زندان نیروهای انقلابی و میهن پرست قریباً د ر ساری کارگران و زحمتکشان را خاموش نماید. ارتجاع می کوشد تا با تحمیل اختناق و استبداد قرون وسطائی کارگران را به تبعیت از سرمایه داران و ادار سازد. اما علیرغم همه ایس جنایات روز بروز برداشته اعتراضات کارگران افزوده میشود و مبارزات آنها شدت بیشتری می یابد.

وظیفه همه ی نیروهای انقلابی است که جنایات رژیم در سرکوب و به خون کشیدن مبارزات کارگران را افشا سازند و تلاش های ضد انقلابی آنرا برای جلوگیری از انعکاس اخبار مبارزات کارگران در محیط های کارگری و کارخانجات گوناگون خنثی سازند. انقلابیون باید بهر وسیله ممکن، کارگران را از مبارزات همزمان شان در سایر کارخانه ها آگاه سازند. پیشرو انقلابی در شرایط حساس کنونی باید با حضور فعال در میان کارگران و توده های زحمتکش نسبت به مبارزات، خواسته ها و مطالبات آنان و انکسشن مشخص، سریع و بموقع از خود نشان دهد و سازماندهی و هدایت حرکات آنها را بعهده گیرد.

بیشتر می بیند. امروز می با یست نبرد علیه جنگ افروزان آمریکا، علیه تلف شدن امکانات بشری در راه تولید سلاحهای کشتنده و تدارک فاجعه هسته ای راه همان تشدید کسرد، این وظیفه خطیر هر روز بیشتر برای ملل جهان روشن می شود. دامنه جنبش ضد جنگ که تمام قاره ها را فرا گرفته، برای امپریالیسم می دهد. جنبش ضد جنگ ایحاد بیسابقه ای کسب کرده است. دهها میلیون نفر، در جریان هفته مبارزه در راه صلح و سایر راهیما کسها و نظا هرات ضد جنگ شرکت کردند. اغلب شهرهای کشورهای اروپا کس در چند ماهه اخیر، شاهد نظا هرات گسترده صلح بودند. ۷۲ درصد از اهالی جمهوری فدرال آلمان، استقرار موشکهای آمریکا را رد کردند. ۷۵ درصد اهالی انگلستان و ۷۹ درصد مردم بلژیک مخالف استقرار موشکهای آمریکا فی در کشور خود هستند. در مبارزه در راه حفظ صلح و امنیت، کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی بعنوان تکیه گاه عمده صلح، نقش پر مسئولیت

و تاریخی بعهده دارند. جامعه کشورهای سوسیالیستی برای قطع مسابقه تسلیحاتی و استقرار صلح پایدار به تلاشهای گسترده ای دست می زند. اتحاد شوروی به همین منظور تا کنون پیشنهاددهای سازنده ای ارائه داده است که حاضر اهمیت تاریخی هستند. پذیرش پیشنهادها و ابتکارهای اتحاد شوروی میتواند راهگشای حل معضلات بین المللی، کاهش تشنج کنونی، دفع خطر جنگ هسته ای و قطع مسابقه تسلیحاتی باشد. برخی از پیشنهاددهای مهم اتحاد شوروی در سالهای ۸۲-۱۹۸۳ چنین است:

اتحاد شوروی از طرف کشورهای سوسیالیستی در مذاکرات وین پیشنهادها زیر را ارائه داد:

- کاهش نیروهای ناتو و پییمان و روشو، تا حدی برابری دشته جمعی ۹۵۰ هزار نفر برای هر طرف.
- خروج ۲۵ هزار نفر از افراد نظامی شوروی با تسلیحات آنها از اروپا در ظرف یکسال در صورتیکه آمریکا ۱۳ هزار نفر از نیروهای نظامی خود را از اروپا خارج سازد.
- ثابت نگه داشتن سطح نیروهای نظامی و تسلیحات تمام شرکت کنندگان مستقیم در مذاکرات، پس از کاهش مقدما نسبی نیروهای اتحاد شوروی و آمریکا بر اساس میزان تقریبی متقابل.

زوشن (سال ۱۹۸۳) اتحاد شوروی با پشتیبانی مجدداً از پیشنهاد فنلاند دایر به ایجاد منطقه آزاد از سلاح هسته ای در شمال اروپا، آمادگی خود را برای بحث و مذاکره با کشورهای ذینفع در باره پذیرش اعلام و وضع آزاد از سلاحهای هسته ای برای آبهای دریای بالتیک، اعلام داشت.

پوری آندرویف دبیر کل فقید حزب کمونیست اتحاد شوروی، در ملاقات با گروهی از سنا توره های آمریکا اعلام نمود که اتحاد شوروی آماده است در باره نابود ساختن سیستم های ضد ماهواره ای موجود و تقنین کردن ایجاد سیستم های جدید توافق نماید. علاوه بر این اتحاد شوروی تعهد میکند تا زمانی که سایر کشورهای از جمله آمریکا از فرستادن سلاح ضد ماهواره به فضای کیهان بکنند، در فرستادن سلاح ضد ماهواره به فضای کیهان پیشدستی ننماید.

در همان موقع پوری آندرویف در پاسخ به سوالات پراودا اعلام داشت که در صورت دست یافتن به توافق مورد قبول طرفین، از جمله امتناع آمریکا از استقرار موشکهای تازه در اروپا، اتحاد شوروی بهنگام کاهش موشکهای با نبرد متوسط خود در بخش اروپائی کشور، تا سطحی برابر تعداد

شهریور

تشکیل حزب کارگر اتیوپی

برگزاری کنکره موسان " حزب کارگزار اتیوپی " در نیمه شهریور ماه در آدنیس آبا با پیروزی بزرگ کارگران و زحمتکشان و دستاوردهای انقلاب اتیوپی تحت رهبری منگیستو هایلما ماریام می باشد. کنکره ضمن تصویب برنامه و اساسنامه حزب کارگزار اتیوپی، برنامه دهساله پیشرفت اقتصادی - اجتماعی کشور را مورد بررسی و تأیید قرار داد. مردم اتیوپی در روزهای برگزاری کنکره، طی میتینگهای عظیم و پرشوری که در سراسر کشور برپا کردند، ضمن بزرگداشت دهمین سالگرد پیروزی انقلاب، پشتیبانی خود را از تصمیمات کنکره و ایجاد حزب کارگزار اتیوپی ابراز داشتند. زحمتکشان طی این میتینگها اعلام داشتند که به مردمان از دستاوردهای انقلاب و ایجاد پایه های جامعه سوسیالیستی همواره وفادار خواهند بود.

این کنکره همچنانکه منگیستوهایلما ماریام رهبران انقلاب اتیوپی دستخوارانی افتتاحیه آن بیان داشت " برای آینده اتیوپی اهمیت تاریخی دارد و حزب کارگزار اتیوپی مبارزه در راه ایجاد پایه های جامعه سوسیالیستی را در کشور رهبری خواهد کرد. " وی تأکید کرد که " در مرحله کنونی، ایجاد پایه های مادی و فنی برای جامعه سوسیالیستی، با افزایش سطح رفاه و فرهنگ زحمتکشان اساسی ترین هدف حزب می باشد. در این رابطه برنامه دهساله توسعه اقتصادی - اجتماعی اساسی ترین ترقی بیش از پیش کشور خواهد بود. " رهبران انقلاب اتیوپی خاطر نشان ساخت که " اقتصاد شوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی با عزم راسخ به حمایت از دستاوردهای مردم اتیوپی برخاستند و موافقتنامه های دولتی و همکاری منعقد نمودند. کشورهای سوسیالیستی، ثمرات روزافزونی در نتیجه رفته های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اتیوپی ببار می آورد. " هایلما ماریام با عنوان کردن مواضع " حزب کارگر " در عرصه مناسبات بین المللی، سیاست ما را جویانه امپریالیستی را که تمام جهان را در معرض خطر مرگ قرار داده است، اکتفا محکوم ساخت و از پیشنها دات سازنده اتحاد شوری در جهت حفظ صلح در جهان حمایت کرد.

برگزاری موفقیت آمیز و تشکیل حزب کارگر اتیوپی، جسم کامل پیروزیهای بزرگ و افتخار آفرینی است که " انقلاب ملی - دمکراتیک اتیوپی " تحت رهبری منگیستو هایلما ماریام، صدر " شورای نظامی حکومت موقت " به دست آورده است. مردم اتیوپی در مبارزه با دستاوردهای جامعه چپ مانده از فئودالیسم و استعمار و مقابله با توطئه های رنگارنگ امپریالیسم و ضد انقلاب تحت رهبری نیروهای انقلابی پیرو سوسیالیسم علمی به موفقیتهای درخشانی دست یافته اند. مروری به این دستاوردها نشان می دهد که کارگران و زحمتکشان اتیوپی، پشتوانه و تجارب گرانقدری را برای پیروزیهای بزرگتر آینده تحت رهبری حزب کارگر اتیوپی دارا می باشند.

انقلاب فئودالیستی، ضد فئودالی و ضد امپریالیستی ۱۹۷۴ در اتیوپی که یکی از فزاینده ترین و عمیق ترین مانده ترین کشورهای جهان و تحت سلطه حکومت خودکامه فئودال و سیطره امپریالیستی بود، هفت سال گذشته در گونیهایی عمیقی را در طی عرصه های زندگی مردم پدید آورده است. اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی به لغو تمامی مناسبات پوسیده و قوانین جا برانه رژیم فئودالی فئودالی انجام میدهد. دهقانان که با تحکیم در " اتحادیه

دهقانان اتیوپی " متشکل از ۷۰۰۰ اتحادیه دهقانی و دهقانان را نجات بخشید. برای اولین بار در تاریخ این کشور، سرنوشت خویش را در اختیار گرفته اند. نقشی جدی در اصلاحات و تحولات انقلابی کشور بر عهده گرفتند. انقلاب ارضی اتیوپی به سرنگونی کامل بزرگ مالکی و از طریق ایجاد بخش دولتی در کشاورزی و گسترش جنبش تعاونی، راه رشد غیر سرمایه داری را در روستاهای اتیوپی کفهرما کرد.

اتیوپی در سالهای بعد از انقلاب، شاهد رشد چشمگیری و توسعه روزافزون صنایع ملی بوده است. این صنایع تنها در ۵ سال گذشته توانسته اند ۲۶ هزار نیروی کار را بکار گیرند. هنگام بارشده توسعه شالوده صنعتی کشور، زندگی کارگران نیز بهبود یافته است. قانون جدید کارتایمین کننده حقوق اساسی کارگران بوده و مجموعه اقدامات رفاهی انجام شده موجب بالارفتن سطح زندگی کارگران گردیده است. مردم اتیوپی بنسبت

موفقیتهای سترگی در زمینه آموزش و فرهنگ دست یافته اند. در رژیم پیشین ۹۹۷ کودکان از سوادآموزی محروم بوده و ۷٪ مردم از سواد خواندن و نوشتن برخوردار نبودند. بیکار همه جانبه با پیسوادانی و جهل که جایزه سال ۱۹۸۰ یونسکو را نیز نصیب اتیوپی کرد، تعداد با سوادان کشور به رقمی بیش از ۶۰٪ رسانده است.

انقلاب اتیوپی در حل مسأله ملی که ضمن پیچیدگی مربوط به ساختار کشورهای آفریقایی، با سرنوشت بیش از ۵۰ ملیت ساکن این سرزمین پیوندی تنگاتنگ داشت، بر اساس " برنامه ملی - دمکراتیک " و اعطای حق خودمختاری به ملتها، کامیابیهایی ارزنده ای به دست آورده است. " مسأله ارتیره " که در اثر توطئه های وسیع امپریالیسم و ارتجاع منطقه، به میدان فعالیت ضد انقلابی و صحنه سازی علیه انقلاب اتیوپی تبدیل شد، در نتیجه پیشرفتهای اقتصادی، فرهنگی و سیاستهای درست ملی حل می شود. امروز علی رغم ادا نمایی توطئه و کمپهای همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع به شورشیان، بسیاری از جدایی طلبان به آغوش انقلاب آزادی گریز کردند. درهم شکستن قدرت متمدن تجار و سرمایه در سال ۱۹۷۷ که بمنظور جدا کردن ناحیه اوگادن " از خاک اتیوپی صورت گرفته بود، و بخشی کردن دیگر توطئه های عوام مسلح امپریالیستی و مافوق فئودالی از پیروزیهای مهم مردم اتیوپی است.

رهبری انقلاب، به سازماندهی توده های خلق همواره توجهی جدی مبذول داشته است. اعتقاد عمیق و تلاش بیگبر " شورای نظامی حکومت موقت " تحت رهبری منگیستوهایلما ماریام در برپایی حزب انقلابی پیشاهنگ زحمتکشان، صفحه ای درخشان در تاریخ مبارزه انقلابی خلق اتیوپی است. و خواهد بود. از کمسیون بنیانگذاری حزب زحمتکشان اتیوپی به ریاست منگیستوهایلما ماریام که بدین منظور تشکیل گردید با تلاش بی ارج موفق گردید تا مابین مابین های لازم جهت تأمین حزب پیروزمند و پیشرو مارکسیست - لنینیست آفرام آورد. این امر در شرایط عقب ماندگی ذهنی توده ها، ضعف ساخت طبقاتی جامعه و ضعف ویژه طبقه کارگر در کشوری که علل تاریخی عقب ماندگیهای بسیار، حتی جزئی پیروزیهای هم نداشت، دستاورد تجربی بسیار غنی و ارزشمند است. کمسیون مربوطه فعالیت خستگی ناپذیر خود موفق به دستیابی به وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و نیز حل مسأله سازمانی مربوط به تشکیل حزب شد. کمسیون با شرفیاب مارکسیسم - لنینیسم در بین مردم و تحکیم وحدت توده های زحمتکش

و سازمانهای مختلف آن از قبیل زنان، جوانان، اتحادیه کارگران روستایی و... پایه های استقرار حزب پیشاهنگ زحمتکشان را در میان توده ها استوار ساخت.

اکنون تشکیل " حزب کارگزار اتیوپی " نویدبخش پیروزیهای روزافزون و درخشان آینده انقلاب و مردم اتیوپی است. در برنامه دهساله توسعه اقتصادی - اجتماعی حزب آنچنان که منگیستوهایلما ماریام در جریان کنکره بیان داشت، یکی اقدامات در جهت تحکیم صنایع کشور پیش بینی شده است و کشاورزی که در آن حرکتیای تعاونی نقش روزافزونی پیدا می کند، با سرعت بیشتری توسعه خواهند یافت.

دستاوردی برای ارج انقلاب اتیوپی و تجربی موفقیتهای میزپروسه تکوین و تشکیل حزب کارگر اتیوپی، به تنهایی اهمیت تاریخی برای مردم اتیوپی دارد، بلکه تأثیری عمیق در جنبش انقلابی خلقهای آفریقا و بهره گیری از آن در دیگر کشورهای این قاره را بهیچ بخش معاصر نخواهد داشت. تجربه انقلاب اتیوپی با لیدر نشان داده چگونه رهبری پیروان سوسیالیسم علمی - با داشتن درکی علمی و انقلابی از درگونیهای اساسی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در راه تأمین استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی، و بهره گیری از تمامی امکانات و نیروهای مردمی کشور و جبهه انقلاب جهانی - قادر است بشرفت پیگیری بدون بازگشت انقلاب را تسلا استقرار جامعه سوسیالیستی، پیروزمندان به انجام برساند.

دستور العملی دیگر برای کتاب سوزان

دوره روزپیش " شورا عالی قضایی " رژیم، " دستور العمل " جدیدی تصویب کرد که مطابق آن: " با ناشرین و اشاعه دهندگان کتب ضاله و آنچه موجب توطئه علیه حکومت اسلامی باشد، طبق ماده ۱۰۴ قانون تعزیرات اسلامی " با " شدت هر چه تمامتر " برخورد کند. بدینگونه رژیم، دستور دیگری برای کتاب سوزان صادر کرد و با شان را مجبور نمود تا بقایای کتب و نوشته های علمی، ادبی، هنری و فلسفی پیشرو و مردمی را نابود سازند. چنین تلاشیهای پیش از هر چیز خاطر " کتاب سوزان فاشیستهای هیتلری را زنده می کند. او با نشان هیتلری هم گامی می برد تا از این راه می توانند

جلوی آگاهی مردم و نفوذ فرهنگ انقلابی را بگیرند و راه را برای " اشاعه " لافلافت ضد مردمی و ضد بشری خود بپوشانند.

تلاش برای نابودی آزادیهای سیاسی و خشکاندن ریشه فرهنگ ملی و مردمی و انقلابی یکی از بارزترین ویژگیهای رهبری جمهوری اسلامی است. آنها با در طول سالهای پس از انقلاب گام به گام به نابودی دستاوردهای انقلاب، در زمینه آزادیهای سیاسی مشغول شدند و هر بار رشوه های خشن ترو دهنده تری را علیه نیروهای مردمی و اندیشه های مردمی و انقلابی بکار گرفتند. او با شایسته که از مراکز گوناگون دستور می گیرند، پی در پی، به کتابفروشیها و فروش می برند. کتابها را می سوزانند و غارت می کنند. حکومت، مسئولان کتابفروشیها را دستگیر و به جرم فروش کتب مترقی زندانی می کند. مولفین را به سبزه ها می اندازد. ناشران آثار علمی، ادبی و خلقی را مجبور می سازد که یا فقط آثار نوشته های دینی و مورد تأیید حکومت را به چاپ رسانند یا سوسات خود را تعطیل کنند.

جمهوری اسلامی اندکی پس از انقلاب، مجدداً دستگاه سانسور رژیم گذشته را برقرار ساخت و به همه نگاههای اختیاراتی دستور داد که بدون اجازه سانسورچی ها هیچ کتابی را به چاپ نرسانند. طی این مدت، بسیاری از آثار کتب دینی، علمی و فرهنگی کشور ما را به تاراج رفته است. کتابهای گرانبهای که در مراکز اسناد و کتابخانه های بزرگ و قدیمی نگهداری می شد با سوزان رژیم سازگار نبود، اغلب نابود شده اند. شاگردان ادبی شعری کلاسیک ایران نظیر رودکی، خیام، فردوسی، نظامی و حافظ مورد غضب قرار گرفته و چاپ و انتشار آنها با مانع روسو شده است.

حکام، ضد فرهنگ جمهوری اسلامی که با زبان و ادبیات و فرهنگ مردم ما به ستیز برخاسته اند، تلاش می کنند تا با بکارگیری لغات ثقیل و سترک غیر فارسی، اصالت زبان و ادبیات فنی ما را مخدوش سازند. زبان کج و معوج و اختراع خود را که بر پایه تخریب زبان فارسی سر مبنی شده، اشاعه دهند.

هر قسمت از اسناد تاریخ میهن ما، هر اندیشه و نظم و نشی که با افکار قرون وسطی ارتجاع انطباق نداشته، مورد تامل و قرار گرفته است. هر اثر نوشته ای که مردم را به گونه ای مفایر با ذهنیت آنان تصویر توصیف کرده، جمع آوری شده است. بسیاری از موزه ها را برای تخریب مزارات و فرهنگ مردم برجیده اند و یا تخریب و غارت کرده اند. آثار باستانی فراوانی را از بین برده یا

رها کرده اند تا نابود شود، حتی گورخانه بخشهایی از آرمکاه فردوسی، شاعر گرانقدر کشور ما را تخریب نمودند. اقدامات رژیم در تلاشی فرهنگ ادب فارسی و جلوگیری از رشد و شکوفایی آن، فاجعه ای ملی است که هر ایرانی میهن پرست را متاثر می سازد.

هدف اصلی رژیم ارتعیم اخیر، نیز جلوگیری از گسترش اندیشه انقلابی و پیشرو در میان توده ها است. رژیم می داند که اشاعه افکار اندیشه های انقلابی و مترقی و ارتقا هر چه بیشتر سطح آگاهی و فرهنگ مردم، آنان را بیش از پیش به مقابله و مبارزه با حکومت خواهد کشاند و روز بروز حکومت را برای تعدا بیشتری از مردم به زیر سؤال خواهد کشید.

اما جمهوری اسلامی علیرغم همه این فحایح، قادر نخواهد بود جلوی مبارزات رشیدانه مردم میهن ما را سد کند. هیچیک از رژیمهای ارتجاعی نه با کتاب سوزان، نه با شکنجه و اعدام انقلابیان و مبارزین و نه با استقرار سیاه ترین استبدادها نتوانسته اند نمی توانند جلوی آگاهی و آزاداندیشی را بگیرند و مردم را از مبارزه علیه ظلم و محرومیت بازدارند.

انتقامجویی کور ضد انقلاب در افغانستان

علیرغم جنگ اعلام نشده آمریکا، ارتجاع منطقه و برتری جوان چینی و جنایات بیشمار ضد انقلابیون مزدور آنان، انقلاب افغانستان پیروز شده است. پیش می رود. مردم افغانستان برای حفظ و پیشبرد دستاوردهای انقلاب هر روز با نیروی بیشتری ضد انقلاب را عقب رانده و مناطق مختلف کشور را از لوث وجودشان پاک می کنند.

ضد انقلاب که زمانی توانسته بود با اقدامات جنایتکارانه و فریبکارانه اش عده ای از اهالی زحمتکش و ستم دیده مناطق سی از افغانستان را آواره و در بند و حساب خود از حکومت مردمی افغانستان جدا نماید، امروز در برابر پیشرفت انقلاب، بیوستان هر چه بیشتر توده ها به حکومت انقلابی سازگشت بقیه در صفحه ۸

از میان گزارشها

کارخانه دهانبات ، هفت ماه پس از اعتبار

اکنون که بیش از هفت ماه از اعتبار خودپسین کارگران دهانبات می گذرد همچنان تعداد زیادی از کارگران دستگیر شده ، زندانی هستند . کارگران زندانی راه هفته های متضادی با چشم های بسته در راهروها و سلولهای زندان نگه داشته بودند . تعداد زیادی از آنها را تا چندین ماه در سلولهای انفرادی زندانی کرده بودند . برخی از آنان را بنوعی وحشیانه شکنجه کردند تا اعتراف نمایند که توده ای بسا فدایی هستند . چند تن از کارگران که اخیراً آزاد شده اند به نقل از کارگران زندانی می گفتند : " آن بیست و نه ماه همیشه معتقد هستیم که نباید از مبارزه با این رژیم دست برداشت "

اکثریت کارگرانی که به دنبال اعتصاب کارخانه کارخانه اخراج شدند ، تاکنون نتوانستند که ردگیری پیدا کنند . کارگران اخراجی مدت هفت ماه است که با شرایط دشواری برای تامین زندگی خود روبرو شده اند . بیروز هستند . تعدادی از آنها با بیش از ۱۵ سال سابقه کار در کارخانه با ن بساط مقرری پهن کرده . و به فروشنده می مشغول شدند .

در این کارخانه انجمن اسلامی که در جریان اعتصاب مانند جاسوس و خبرچین حکومت عمل کرده بود ، بیش از همیشه مورد نفرت کارگران قرار دارد . نفرت کارگران به شکل مختلف بروز می کند . آنها چندی پیش یک عضو خبرچین انجمن اسلامی را غافلگیر کرده و به شدت تنگ می زدند . در هر ای از او کشتی کارگران ، بسیاری از اعضای انجمن می کوشند خود را از این کارخانه به جایی دیگر منتقل سازند و یا همگامی خود را با انجمن معلق نمایند . به همین خاطر در چند ماه اخیر اکثریت قاطع اتحاد انجمن اسلامی دهانبات به شکل رکشیده و تعداد اعضا آن کمتر از یک پنجم زمان اعتصاب شده است .

یاسداری که اعتبار با سرکوب کرده بودند نیز نتوانستند در برابر شدت نفرت کارگران بی تفاوت بمانند . آنها که پس از اعتبار بطور دائمی در کارخانه مستقر شدند در اینجا کوشیدند خود را از آزار کارگران بیرون بکشند . حتی تعدادی از آنها از کار در رسیاه استعفا دادند . برای ترغیب آنها به ادامه حضور در کارخانه یک معمم برای سخنرانی به میان آنها فرستاده شد . در برابر پرس و جوی این معمم ، پاسداران پاسخ دادند : " دیگر بیس است . از این وضعیت خسته شدیم . " حکومت به ناچار آنها را از آنجا بیرون کشید و این کارخانه بدون کار در محافظت شده است .

پس از این همه مدت که از اعتصاب می گذرد ، هنوز از انجام وعده هایی که مسئولین داده بودند ، خبری نیست . بهانه مسئولین فقدان منابع مالی برای تامین مطالبات کارگران است . این در حالی است که مدیران دولتی به نحوی لجام گسیخته به غارت دارایی های کارخانه مشغول هستند . همگین چندی پیش اختلاس بزرگی از مسئولین این کارخانه چنان بی پروا صورت گرفت که به ناچار بیست و سه سربویش نهادن بران یکی از مدیران و یکی از مسئولین انجمن اسلامی (که در این اختلاس سهیم بودند) از کارکنان رگذاشته شدند .

سندجرم ! دفاع از حقوق کارگران

در کارخانه گلوگری یکی از کارمندان را به خاطر سابقه مبارزاتی اخراج نمودند . از آنجا که هیچ بهانه ای برای اخراج او وجود نداشت ، او را منتسب به هواداری از حزب توده ایران کردند . بسیاری انتیبات این اتهام ، نواری از صحبت های ایمنی کارمندان به عنوان سند ارائه نمودند که او بطوری آن از مطالبات برحق کارگران دفاع کرده بود و با این سند دیگر جایی برای دفاع و انکار اتهام وجود نداشت . لذا کارمندان به زور از کارخانه اخراج کردند . قرار است بزودی این کارخانه به بخش خصوصی بازگردانده شود . کارگران می گویند این اخراج واقعات مشابه از جمله موری است که برای تامین شرایط مورد نظر سرمایه داران ، توسط دولت صورت می پذیرد .

حذف مرمضی سالنسه

در کارخانه آلومینیوم سازی واقع در اراک در ماه مرداد از طرف مدیریت بخشنامه ای صادر شد که برطبق آن در سال جاری کارگران حق استفاده از مرمضی سالنسه را نخواهند داشت و باید بدون وقفه به کار ادامه دهند . آنها ضمن تهیه یک طومار اعتراضی مخالفت خود را با این تصمیم خودسرانه و خلاف قانون اعلام داشتند . به دنبال آن مدیر عامل ناچار شد اعلام کند که بزودی در این تصمیم تجدیدنظر خواهد شد .

تعطیلات اجباری بدون حقوق

در کارخانه ریستنگی و بانفدگی "فرا ایران" در ماه مرداد از سوی مدیریت اعلام شد که تعطیلات سالانه امسال یک ماه خواهد بود و با ۱۷ روز آن هیچگونه حقوقی به کارگران تعلق نخواهد گرفت . ۳۰۰۰ کارگر این کارخانه به این تصمیم غیرقانونی و خودسرانه اعتراض کردند . آنها ضمن اعلام آمادگی برای کار اعلام داشتند حاضر نیستند تاوان ناتوانی و بی کفایتی مدیریت و مسئولیتشان را در تامین مواد اولیه مورد نیاز بپردازند . به دنبال اعتراض جدی کارگران از سوی مدیریت ، کارخانه ، برای توضیح و توجیه این تصمیم ، جلسه ای با شرکت کارگران تشکیل شد . اما از آنجا که مدیران مدعی بودند با لفاظی و فریبکاری ، کارگران راه پذیرش این تصمیم وادارند ، کارگران جلسه را بهم زدند . کارگران مدعی بودند وادار به خروج از محل جلسه گردیدند . اما روز بعد ، بی توجه به مخالفت کارگران در دستور مدیر عامل کارخانه تعطیلات شد و ما شنبه های شنبه برای آوردن کارگران به سرکار ، فرستاده نشدند . با وجود این کارگران با وسایل مختلف خود را به کارخانه رساندند و لسی با دهرای بسته و پاسداران مسلح روبرو شدند . پاسداران ، کارگران را متفرق کرده و به آیین ترتیب کارخانه تعطیل گردید . بیش از اینک دوره یک ماهه تعطیلات به پایان برسد ، مدیر عامل اعلام دیگری مالدرو طی آن اعلام داشت که دوره تعطیلات به ۲ ماه افزایش یافته است . وضعیت حقوقی کارگران در طول این مدت اذافی نیز مبهم مانده است .

اعتراض وکم کاری کارگران چوکسا

در کارخانه چوکسا واقع در رضوان شهر کارگران بعلت عدم پرداخت ۲ ماه حقوق از سوی مدیریت دولتی دست به اعتراض فردی و گروهی می زنند و مدیریت را تهدید به خصن می کنند . در طی این مدت کارگران سیاست کم کاری را در پیش می گیرند . مدیریت که در مقابل فشار کارگران هراسان می شود از جهت الاسلام ، احسان بخش (امام جمعه رشت) دعوت می کند که برای جلوگیری از خصن احتمالی در کارخانه سخنرانی کند . ایشان هم به بهانه جنگ و مشکلات دیگر حکومت سعی در توجیه مشکلات کارگران می کند . کارگران که فریبکاری آنها را می بینند و تشخیص می دهند که کاری برایشان نخواهد کرد با همهمه و سرودهای اعتراضی او را قطع می کنند و جهت الاسلام سخنان خود را نیمه کاره رها کرده و کارخانه را ترک می کنند . مبارزه کارگران برای گرفتن حقوقشان ادامه می یابد .

مبارزات زنان زحمتکش

زنان کارگرو زحمتکش دوشادوش مردان در نقض زبانی تا مین حقوق خود مبارزه می کنند . نقش زنان زحمتکش بویژه در مواردی از قبیل تامین آب و برق و بهداشت و مقابله با ناسا انبساطی توزیع با محتاج اولیه چشمگیر است . در شهرک ولی عصر تهران ، زنان محل برای این مسایل در طول به ماه چهار ریسار حرکت دسته جمعی انجام داده اند در تادشستر زنان زحمتکش علاوه بر مبارزات پیگیری که برای تامین آب صورت دادند ، اقدام به تاسیس انجمن زنان در مدت کوتاهی بنوا نهادند . این پس اقدامات خود را بطور متشکل دنبال کنند .

در کارخانجات نیز زنان کارگرمش شرکت فعال در مبارزه مشترک کارگران ، برای تامین حقوق ویژه خود نیز بره می کنند . آنها در برابر تبعیضات و اجافاتی که آشکار علیه زنان اعمال می شود ، ایستادگی می کنند . در واحد تولیدی جاکو در تهران از سوی مسئولین کلاسی آموزشی تشکیل گردید که شرکت زنان در آن منع شده بود . اما کارکنان زن موفق می شوند با اعتراض جدی این تبعیض را از میان بردارند . در کارخانه الیز ، انجمن اسلامی سعی داشت با تهدید ، زنان کارگرو را به حضور در نماز جماعت بکشاند . اما زنان بی توجه به تهدیدات حاضر به شرکت اجباری در نماز جماعت نشدند .

تظاهرات در بندر دیلم

در ماه مرداد در بندر دیلم آب و برق به مدت ۵ روزی در پی قطع شد بود با توجه به گرمای شدید این بندر جنوبی ، تحمل این وضعیت برای مردم غیر ممکن بود . به این خاطر مردم معترض ، دسته جمعی در خیابانها راهپیمایی کردند . مقامات دولتی طبق معمول ارگانهای سرکوب را به مقابله با مردم فرستادند که پیامدان زود خورد شدیدی بود که میان مردم و پاسداران در گرفت . پاسداران تنها پس از تیراندازی ممتد نتوانستند مجدداً اوضاع را تحت کنترل خود در آورند و مردم را متفرق کنند .

تخریب سرپناه زحمتکشان در قلمه حسن خان

شهرک قدس "قلمه حسن خان سابق" در اراک بوسیله جاده قدیم کرج در حومه شهر با واقع است . این شهرک که بعد از انقلاب جمعیت آن به هزار نفر رسیده است ، عمدتاً از کارگران کارخانه های اطراف کرج هستند . زمینهای شهرک قدس ، پس از انقلاب توسط مالکین به زحمتکشان منطقه فروخته شده و به میزان زیادی توسط ساکنین خانه سازی شده است . در طی چند ماه اخیر ما مورین حکومتی بویژه ما مورین اوقاف به ساکنین مراجعه کرده و مطرح کرده اند که زمینهای این شهرک عمدتاً متعلق به اوقاف است و ساکنین موظف هستند که به اوقاف برای زمین اجاره بپردازند ، مردم محل که پول زمین را قبلاً به مالکین پرداخته اند به این ادعای ما مورین اعتراض می کنند و می گویند آن زمان که ما مسئول زمین را برداشته ایم شما کجا بودید ولی گوش ما مورین به این حرفها بدهکار نیست .

در سوم شهریور ماه ما مورین شهرداری با آوردن لودر تعدادی از خانه ها را تخریب می کنند ، وسایل زندگی زحمتکشان محل را از سرپناه شان بیرون می ریزند که با مقاومت جدی مردم مواجه می شوند و مردم محل علیه حکومت شعار می دهند . بسیج محل ناچار از تیراندازی کتک می خورد که ما مورین اعضای ما مردم درگیر می شوند و بیش از ۱۰ نفر از جمله ۳ زن را زاده می کنند . مردم به این اقدام خودسرانه و سرکوبگرانه حکومت به شدت اعتراض می کنند . اینک مبارزه زحمتکشان قلمه حسن خان علیه این بیدادگری ادامه دارد و پیغول ما مورین رژیم قلمه حسن خان آشوب زده است !

شوراهای محلات را منحل می کنند

در شهرک اووان واقع در جاده ساوه شورای محل از منافع اهالی دفاع کرده و تسلیم خواسته های آخوند محل نمی شد ، این شخص با مزاحمه به مقامات اعضا شورا را توده ای نامید و حکم انحلال شورا را دریافت کرد . به این ترتیب شورای محلی شهرک اووان منحل شد . او طی همان حکم ما موریت یافت تا شخصاً اعضای تازه ای برای شورا منصوب نماید .

در سنگ سازی سعیدیه نیز همین ماجرا تکرار شد . در آنجا یک پاسدار ساکن محل ، با اتهامات مشابه دستور انحلال شورا را صادر کرد . او پس با صدور اطلاعیه ای اهالی محل را دعوت نمود تا برای ایجاد شورای مورد نظر ایشان تشکیل جلسه دهند که بسا واکنش مردم مواجه شد .

کانهیدی انجمن اسلامی و رای کارگران

در کارخانه جیت ممتاز ، مانند بسیاری دیگر از واحدهای تولیدی ، مبارزه کارگران برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از مدت ها قبل جریان دارد . در پی مبارزات پیگیر و مداوم کارگران این کارخانه مدیریت کارخانه اخیراً پذیرفته است که طرح طبقه بندی مشاغل در این واحد تولیدی اجرا شود .

بدین منظور تصمیم گرفتند که کارگران نمایندگانی خود را برای شرکت در کمیته اجرای طرح طبقه بندی مشاغل کارخانه انتخاب و معرفی نمایند .

در جریان انتخاب نماینده ، مثل همیشه انجمن اسلامی با بوق و کرنا کاندیدا معرفی کرد طبعاً این کاندیداها از حمایت مسئولین نیز برخوردار بودند . در مقابل کارگران بجای رای دادن به کاندیدای انجمن اسلامی به دو تن از نمایندگان شورا ق منحل شده کارخانه که مورد حمایت کارگران بودند رای دادند و نماینده انجمن اسلامی فقط ۶۰ رای می آورد . در حالیکه دو نماینده قبلی شورا ۱۶۰۰ و ۱۴۰۰ رای آوردند . بدین ترتیب کارگران بار دیگر حکم افراد قطعی انجمن اسلامی را صادر کردند .

زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هموطن!

سزای مرتجع جمهوری اسلامی علیه صلح ، علیه استقلال میهن و علیه آزادی شما اقدام می کنند . آنها از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان حمایت می کنند . آنها به انقلاب به مردم زحمتکش پشت کرده و راه غنات در پیش گرفته اند .

برای گسترش مبارزه علیه این حکومت ارتجاعی ، برای نجات میهن و انقلاب ، برای رسیدن به صلح ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی

از فدائیان خلق ایران حمایت کنید!

جنايات جديد حكومت در كردستان

رژيم جمهوري اسلامي، طی ماههای اخیر، یسورش و حشیانه به شهرها و روستاهای كردستان را شستند بازهم بیشتری داد. رژیم در عملیات مداوم مناطق مها باد، پیرانشهر، سردشت، بانه و مریوان را وسیعاً مورد حمله قرار داد و دهها تن دیگر را از زنان و مردان و کودکان بیدفاع، قربانی عملیات انتقامی و سرکوبگرانه نیروهای ارتش و سپاه شدند. خانه های بسیاری ویران شد و روستاها و مزارع از زمین رفتند.

حزب دموکرات كردستان ایران، اعلام داشت که رژیم در شهر ها و روستاهای كردستان اقدام به اجرای طرح مهاجرت اجباری کرده است. تحت فرماندهی "قزاقگاه حمزه" در اجرای مقاصد فاش، روستای گاشی زریسن و دهکده دیگری در قاضیون مرکز كردستان را کشته مردم آن حاضر به ترک خانه و کاشانه خود نشدند، به آتش کشیده اند.

حکام جمهوری اسلامی که سیاست سرکوبگرانه آنها طی ۶ سال گذشته در كردستان با شکست مواجه گردیده، به هرجانیتهای برای تحقق نقشه های شویستی و ارتجاعی خود، دست می زنند. اقدامات رژیم در كردستان ایران، با سیاستهای حاکم بر ترکیه آریکای ترکیه نیز، حمله به مناطق كردنشین ترکیه را آغاز نمود، که در واقع حلقه محاصره نیروهای میهن پرست و مبارز كردستان را تنگتر کرد.

رژیم جمهوری اسلامی در تعقیب جنایات اخیر خود به دنبال شکست متفضانه در فرونشاندن مبارزات دلیرانه خلق کرد، در نظر دارد سیاست ارتجاعی و ضد بشری کوچاندن اجباری روستاییان نوار مرزی روی آورد. سرکوبگران جمهوری اسلامی به روستاییان دهبار روستای مناطق استراتژیست سردشت اعلام داشتند که باید روستاها را تخلیه کنند، آنها تصمیم دارند در بخشهای "آلان"، "سوسنا به تی"، "گورک" از منطقه سردشت بیش از ده هزار روستاییان زحمتکش را در قفس جمع آوری محمول و آغاز فصل زمستان آواره کنند و بیاینگه حتی مرمری برای معاش و یاجایی برای زندگی آنان در نظر گرفته باشد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توطئه جدید و ضد بشری رژیم را علیه زحمتکشان مرز نشین کردیه شدت محکوم می کند، و اهرمه سازمانهای مترقی و مردم سراسر میهن می خواهد که به هر شکل ممکن علیه این سیاست پیدادگرانه فدیشری اعتراض کنند. در همین ارتباط دفتر سیاسی حزب دموکرات كردستان ایران طی فراخوانی به تاریخ ۳۰/۴/۶۲ از تمامی مردم ایران و همه نیروهای بقردوست جهان خواسته است که علیه این جنایات اعتراض کنند و نگذارند که اقدام فدا سانی رژیم باعث بی خانمانی و آوارگی هزاران هموطن زحمتکش گردد. ب علاوه حزب دمکرات كردستان ایران در ارتش اعتبار سیاسی را در اعتراض علیه این پیدادگری و قبحانه سازمان داد که مردمیشتیانی بسیاری از سازمانهای مشرقی و همچنین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در ارتش قرار گرفت.

در ادامه رگ نیز از جنبه گروهی سازمانهای مشرقی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دعوتارک دعوتنامه برای شرکت در حرکت اعتراضی علیه جنایات رژیم در كردستان صادر شد.

ما وظیفیمان داریم که ارتجاع حاکم بسان همه مستبدین دیگر از سیاست سرکوب خلق کسود، و اشغال نظامی كردستان طرفی نخواهد بست، چنین سیاستهای و رشکتهای توسط رژیم شاه خائن، بارها به کار گرفته شده و شکست خورده است. تنها جماعات کنونی و سیاست تخلیه روستاها نیز اگرچه خاک كردستان را باز هم بیشتر به خون خواهد کشید اما سرانجامی جز شکست نخواهد داشت. خلق کرد همچنان مصمانه به مبارزه برحق خود ادامه خواهد داد.

با کاکه مکاتبه کنید!

رفقا و دوستان عزیز! نشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همه خوانندگان خود را با نشریه فراهم کرده است. همه مبارزین انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادها و نظرات خود را به آدرس زیر برای نشریه کار ارسال کنند.

Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA

اطریش:

شکنجه و کشتار انقلابیون خودکشی رژیم است

حکومت جمهوری اسلامی، پس از دو سال تلاش مداوم، همچنان در صدد آنست تا نقشه شکست خورده خود را علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با انتقامجویی دهشتناک و طسروح توطئه های جدید عملی سازد. پیگردهای رژیم برای درهم شکستن سازمان و متلاشی کردن تشکیلات آن، تلاش برای از یاد آوردن رفقای اسیر در زیر شکنجه های قرون وسطا و کوشش های تنگنشین آن برای مخفی ساختن جنایاتی که علیه فدائیان خلق انجام میدهد، با شدت فزاینده ادامه دارد. مسؤلان و ماموران رژیم، به بسیاری از خانواده های رفقای اسیر که برای کسب اطلاع از سرنوشت فرزندان خود رجوع میکنند، و قبحانسه دروغ میگویند، با اطلاق مورد سرنوشت فرزندان نشان سکوت میکنند و یا بکلی منکسر بازداشت اسیران میشوند. در بسیاری موارد دستگاران رفقای اسیر را بازداشت کرده اند و بیاینگه با توهین و آزار بسیار تهدید میکنند که در صورت رجوع مجدد جای آنان هم در زندان خواهد بود. در موارد زیادی، ما مورین رژیم به دستگاران زندانیان اطلاع میدهند که فرزندان شما شهید شده، و حتی گاهی محل دفن را نیز مشخص می کنند اما نه جسد را تحویل میدهند و نه کسکس جسد را به خانواده نشان میدهند. چه برای دستگاران رفقای ما و چه برای خانواده های دیگر انقلابیون اسیر، اغلب پیش میاید که پس از برگزاری مراسم یادبود بی میبرند رژیم برای شکنجه آنسان زندان دروغ گفته و فرزندان آنها، همچنان زنده و زیر شکنجه هستند.

اکنون، یکسال از تأیید شدن رفیق انوشیروان لطیفی میگردد، هنوز از سرنوشت رفیق هیچگونه اطلاعی در دست نیست. رفیق انوشیروان که مدتها زیر پیگرد ماموران بود، در جریان یک تعقیب طولانی محاصره شد و رابطه اش با سازمان قطع گردید. از آن زمان تا کنون، رژیم در این باره کاملاً سکوت کرده است. در همین ماههای اخیر، در چهار مورد مشخص رژیم به دستگاران چهار تن از رفقای اسیر، که از مسؤلین سازمان و از زندانیان سرشناس رژیم شاه بودند، با واسطه خبر داد که عزیزان شما شهید شده اند، اما رژیم از تحویل جسد رفقا و با از تأیید رسمی خبر امتناع کرده است. خانواده های این رفقا برای عزیزان نشان مراسم برگزار کردند، علیرغم این آنها اکنون بلا لایل بسیار اخبار را قبال اتکا نمیدانند. لذل، سرنوشت این رفقا بکلی نامعلوم است.

چنین توطئه ها و اعمال رژیم با تلاشی بی تنگین رژیم در شکنجه گاهها تکمیل میشود. برخی از مسؤلین سازمان که حتی نزدیک به سه سال از اسارت آنها میگردد، همچنان زیر شکنجه هستند. آخرین بار یکی (چند ماه پیش) رفیق رضی الدین تابان را دیدند، در بیمارستان بود، پهلوی و بازوی رفیق را شکسته بودند و نیمه ای بدن وی باند پیچی شده بود. رفیق علیرضا نوبی را پس از دو سال همچنان شکنجه میکنند و از او انتقام میکشند. اخبار رسیده حاکی از آن است که رفیق زحیم اسداللهی پس از انتقال از اهواز به تهران، زیر فشارهای شدیدتری قرار گرفته است.

تعداد زیادی از مسؤلین سازمان در خوزستان و از زندانیان رژیم شاه، پس از شکنجه های جسمی و روانی شدید در زندان اهواز، چند ماه پیش به اوین منتقل شدند تا زیر شکنجه های بازهم بیشتری قرار گیرند. همینطور تعداد زیادی از رفقای اسیر را از مشهد و تبریز و خرم آباد به اوین منتقل کردند. ما موران رژیم که میدانند نقشه هایمان برای درهم شکستن سازمان شکست خورده است، لذا مذبحانسه با انتقامجویی روی آورده اند.

جمهوری اسلامی کسان را این چنین زیر شکنجه میکشد که با تمام وجود و در همه زندگانی مبارزاتی خویش پیشرو خلق و فدا بی خلق بوده اند و جز آرزوی آزادی و بهر روزی طبقه کارگر و رنجبران جز آرزوی استقلال میهن، آزادی مردم، در دل نداشته اند. در زندانهای جمهوری اسلامی کسان شکنجه و شهید میشوند که در سخت ترین شرایط با ایثار همه هستی خویش علیه رژیم شاه رژیمدند و نوبد انقلاب و پیروزی دادند. کسان که غریب سرود و غرش مسلسل آنها در سنگرهای انقلاب و قیام بهمین، در ژرفای قلب رنجبران بیباکانه

آدمی با سر افراشته باید یزید
و سر افراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیازد در پیش
والهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش



گرامی باد یاد شهدای مهرماه، فدائیان خلق:

مهرنوش ابراهیمی	فرشید	فرجاد
غلامعباس بختورد	عبدالوهاب	سلفیان
منوچهر بهایی پور	چنگیز	قبادی
حمیدرضا پریدار	سادل	قربانی
هوشنگ تریه گل	همایون	کتیرایی
محمدعلی سائسی	ناصر	کریمی
حمید شبانی	محمد رضا	گلشن
پرویز شریعتی	ناصر	مدنی
فرزین شریفی	سید	نوزادی
بهرام طاهرزاده		

پرهرو باد راهشان، جاودان بادشان

همچنان ضمین انداز است رژیم انقلابیون را شکنجه میدهد تا مگر نمایشای و قبحانه تلو یزویی برده ای رسوایی ها و شکستهای خود بکشد و علیه اجزاء و سازمانهای انقلابی، مردم فریبی کند. این خونبهای که از چنگال جلادان رژیم سر از برشده برده نفرت بر همه نمایشای و نیرنگبهای آ کشیده است. رژیم فقط میتواند رسوایی خود بنمایش بگذارد. محاکمه انقلابیون در پیدادگاهها، جمهوری اسلامی، محاکمه خود رژیم است و کشتار انقلابیون خودکشی آن است. شهیدان خلق: یوسف کشی زاده، نریمسانا توماج، سعید سلطانپور، سیاک اسدبیک، منصور اسکندری، حسین پور تبریزی و ناخند افطلی، خیابانی و سعادت، مهران شهاب الدین و نورالدین رباعی، بهروز سلیمانی، کاکا اقبال کریم نژاد و کاکا عبدالله بهرامی، هزارا سیمای پاک و تابناک جنبش انقلابی که در زندانها و شکنجه گاهها و در بازجوچه ها، اعدام رژیم جان دادند، همچنان نگاه رزمجو برکین خود را بر چشم ارتجاع دوخته اند. حکومت هر روز که بیشتر مورد نفرت و کینه توده ها و نیروهای انقلابی قرار می گیرد، جنایت بی شرمانه تری روی می آورد، شکنجه و حشیانه و کشتار مخفیانه زندانیان، و زجر آزار خانواده هایی که عزیزانشان در بندد زنجیر بسر می برند به شکردهای و قبحانه و متداوم سرکوبگران حاکم بدل شده است.

حکومتی که با چنین جنایاتی رسوا شده، به کدام چنانیت میتواند خود را "حاجت دهد؟ تا ریب هزار بار ثابت کرده است راهی که با توطئه و جنایت علیه مردم و سازمانهای انقلابی آنها فرس میشود، راه دوزخ است.

پیام تبریک

رفیق منگبستو هایله ما ربا م!
دبیرکل کمیته مرکزی حزب کارگر اتیوپی

بسیار خرسندم که از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزاری پیرومندان کنگره موسان حزب کارگر اتیوپی و بنیان گذار حزب پیشاهنگ طبقه کارگر و توده های اتیوپی و انتخاب شخص شمارا به سمت دبیرکل حزب کارگر صمیمانه شادباش بگویم. بیگمان حزب کارگر اتیوپی، که خودشمره پیشروی پیرومندان انقلاب اتیوپی است، با رهبری شما قادر خواهد بود کارگران و رنجبران اتیوپی را تادستی به همه آرمانهای و آلائی آنها و جامعه ای مبارزانه گونه شتم و بهر کس، پیرومندان هدایتگر تجربه منصرفرد انقلابیون اتیوپی با رهبر آن رفیق ارجمند، در پیشبرد انقلاب و بنیانگذاری حزب کارگر اتیوپی به غنای تجربیات جنبش انقلاب در دیگر کشورها خواهد افزود. پیروزیهای هرچه بیشتر حزب کارگر اتیوپی و شخص شما را در راه تامین منافع حیاتی زحمتکش اتیوپی، در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم آرزو می کنم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دبیر اول - فرخ نگهدار

پیش بسوی جبهه متحد خلق